بسم الله الرحمن الرحیم

چگونه تریدینگ پلن حرفه ای طراحی کنیم؟

راهنمای کامل

به همراه قالب آماده

فهرست مطالب

چگونه یک تریدینگ پلن طراحی کنیم؟

بخش اول

کلیات یک تریدینگ پلن

بخش دوم

طراحی تریدینگ پلن مخصوص خود

مقدمه

احتمالا همگی با طرح های توجیهی[1] یا بعبارت دیگر "بزینس پلن" ها آشنایی دارید. همانطور که می دانید، هر کس که بخواهد یک کسب و کار محکمی را پایه ریزی نماید، باید در زمینه فعالیتی که آن کسب و کار دارد به سراغ متخصصان یا مدیران و یا کسانی که در آن رشته تجربه زیادی دارند، برود و از آنها مشاوره اقتصادی و مالی بگیرد، و توسط راهنمایی آنها که بر اساس علم روز دنیا و شرایط کاری منطقه کسب و کار می باشد یک طرح تجاری یا بزینس پلن را طراحی نماید.
اگر چنانچه یک بزینس پلن را دیده باشید، همگی آنها اصولا از یک تیپ خاص برخوردار هستند. البته قرار نیست من در اینجا وارد جزئیات یک بزینس پلن بشوم، چون موضوع بحث ما نیست، اما از آنجا که قصد دارم یک مقایسه ای داشته باشم بین بزینس پلن و تریدینگ پلن ها، لذا بایست اشاره ای به کلیات یک بزینس پلن داشته باشیم.

همه بزینس پلن ها شامل شرحی از فعالیت کسب و کار، هزینه های اولیه، میزان سرمایه مورد نیاز برای شروع کار و میزان سرمایه در گردش، میزان تولید و یا خدمات، برآورد فروش با توجه به شاخصهای اقتصادی منطقه، محاسبه سود و زیان و در نهایت تعیین نقطه سر به سر (نقطه ای که تمامی هزینه ها پوشش داده می شود و از آن نقطه به بعد کسب و کار به درآمد زایی خواهد افتاد) را شامل می شوند.

بنابراین اگر این بزینس پلن ها به صورت صحیح و توسط افراد کارآزموده نوشته شوند، خطر نابودی سرمایه و شرکای تجاری یک کسب و کار رابشدت کاهش می دهند. جالب است بدانید که اگر بخواهید برای کسب و کار خود وام بانکی تهیه نمایید، بانکها ابتدا به سراغ بزینس پلن شما خواهند رفت، و بعد از مطالعه دقیق آن در صورتی که به آنها ثابت شود کسب و کار شما سود ده است، نسبت به پرداخت وام به شما اقدام خواهند کرد، در غیر اینصورت برای کسب و کار شما وامی پرداخت نخواهد شد.
لذا هیچ شک و شبه ای در خصوص اهمیت پیاده سازی و اجرای یک بزینس پلن صحیح، قبل از راه اندازی یک کسب و کار موفق وجود نخواهد داشت.

---
[1] Business Plan

حال سئوالی که وجود خواهد داشت این است که: چرا سعی می کنیم بدون طراحی و اجرای یک تریدینگ پلن صحیح و کاربردی در بازارهای پر خطر مالی مخصوصا فـــارکس، اقدام به معامله نماییم. مگر کسب و کاری پرخطر تر از بازارهای مالی در این دنیا وجود دارد؟! من که سراغ ندارم!!

اما طراحی یک بزینس پلن که در بازارهای مالی به آن طرح معاملاتی[1] یا تریدینگ پلن گفته می شود کمی متفاوت است. شاید در بزینس پلن ها بحثی بعنوان روانشناسی گنجانده نشده باشد اما در تریدینگ پلن ها حتما یکی از بخشهای مهم طراحی است. در تریدینگ پلن ها به تمامی جوانب فردی و اجتماعی توجه می شود، اما در بزینس پلن فقط به مسائل اقتصادی و بعضا اجتماعی که درگیر با موضوع کسب و کار است پرداخته می شود. و سایر تفاوت های دیگر . . .

هر چند که پیاده سازی یک تریدینگ پلن کار نسبتا پیچیده ای است (علی رغم اینکه ظاهر آن اینگونه نشان نمی دهد)، اما سعی کردیم که با طرح چند سئوال کاربردی شما را یاری کرده تا با ساختار پیاده سازی اصولی آن آشنا شوید.

از آنجا که تریدینگ پلن ها برای هر معامله گر همانند لوازم شخصی تلقی می گردد، و این احتمال که تریدینگ پلن شما برای من کاربردی نباشد وجود دارد، لذا سعی کنید تا پس از فراگیری اصول پیاده سازی آن توسط این کتاب، تریدینگ پلن خود را بهینه کرده و متناسب با تیپ شخصیتی خود نمایید.

---

[1] Trading Plan

کلیات تریدینگ پلن

تریدینگ پلن چیست؟

تریدینگ پلن یک سری قوانین لازم الاجرایی می باشد که تمامی جنبه های زندگی تجاری شما را پوشش می دهد. یک رفرنس کارشناسی شده دارای محدودیت، که احتمال موفقیت شما را در معاملات بالا می برد. تریدینگ‌پلن به تنهایی سکوی پرتاب شما بسوی موفقیت نخواهد بود! اما در طول زمان ثابت شده است که معامله کردن با تریدینگ پلن، بسیار بهتر است از معامله کردن بدون آن.
بیشتر معامله گران تازه کار هرگز تریدینگ پلن نداشتند تا به کمک آن معامله نمایند. آنها وارد بازار می شوند بدون داشتن اهداف مالی و مدیریت سرمایه !! در واقع تریدینگ پلن چیزی نیست جز، اهداف مالی و قوانین ریسک، مدیریت سرمایه و انجام مو به مو استراتژی خود که به صورت مکتوب در دفترچه ای ثبت شده باشد. و کافیست آنها در قلب و روح شما قرار بگیرد. آنگاه خواهید فهمید که معامله گری در بازارهای مالی چقدر هم راحت و بدون استرس خواهد بود.

معامله گران با تریدینگ پلن می توانند معاملات خود را رصد نمایند. آنها می توانند پیشرفتشان را بطور مستمر روز به روز ارزیابی کرده و حرکت خودشان را در مسیر موفقیت تجزیه و تحلیل نمایند.
تریدینگ‌پلن به آنها این قابلیت را می دهد که معاملات بدون احساس و با کمترین استرس را تجربه نمایند. اما معامله گران بدون تریدینگ پلن هرگز نمی توانند مسیر حرکتشان را تجزیه و تحلیل نموده، لذا در مسیری قدم بر می دارند که هیچ هدف واضحی در آن وجود ندارد، ضمن آنکه همیشه با استرس و وحشت از دست دادن سرمایه معامله خواهند کرد و همین امر باعث می شود که خیلی زود با فشارهای روحی و روانی بازار را رهـــــا نمایند. تجارت برای آنها مانند جویدن ناخن است. آنها سوار بر غلطک احساسات خود هستند که در نهایت تمامی سرمایه خود را از دست خواهند داد.

اگر بخواهیم بطور واضح به شما بگویم، یک تریدینگ پلن هرگز موفقیت شما را تضمین نخواهد کرد!! با این حال داشتن یک تریدینگ‌پلن خوب و پایبند بودن به آن، جهت به حداقل رساندن زیانها و حداکثر کردن سودها به شدت به شما کمک‌خواهد کرد، و شما را در بازار حفظ نموده تا بتوانید به تجارت خود ادامه بدهید. که در صورت عدم آن هرگز اتفاق نخواهد افتاد.
آلپش بی پاتل[1] نویسنده کتاب "معاملات آنلاین" در کتابش می نویسد: "تریدینگ پلن نمی تواند آینده را پیش بینی کند، آنها می توانند معاملات شما را غیر احساسی کرده و به شما بگویند در برابر وقایع چگونه واکنش نشان دهید. و این دلیل آن است که همه می گویند: تریدینگ پلن ها ضروری می باشند. آنها یک لیست از پاسخهای استراتژیک نسبت به حوادث خارج از کنترل شما می باشند. زیر شما نمی توانید هیچ چیزی را به غیر از خود تحت کنترل داشته باشید."

---

[1] Alpesh B. Patel

مقداری سردرگمی وجود دارد بابت تفاوت میان یک تریدینگ پلن (یا سیستم معاملاتی) و استراتژی معاملاتی[1].

همانطور که قبلا نیز گفته شد، یک تریدینگ پلن، مجموعه ای از قوانین لازم الاجرایی است که تمامی جنبه های زندگی تجاری شما را در بر می گیرد. این به جزئیات زیادی بستگی دارد. اما استراتژی معاملاتی فقط به شما می گوید: اگر فلان شرط برقرار بود وارد پوزیشن شوید یا نشوید. در صورت وجود کدامین شرط از پوزیشن خارج شوید و . . .

با این حال مواردی که گفته شد، صرفا کلیات عناصر یک تریدینگ پلن هستند و نه الزاما مهمترین آنها. این امر کاملا امکان پذیر است و حتی شاید مطلوب است، که یک تریدینگ پلن شامل چندین استراتژی معاملاتی باشد (معیارهای خروج و ورود)

چه کسانی به تریدینگ پلن احتیاج خواهند داشت؟

اگر تمایل دارید که معامله گری شغل ثابت شما باشد و به چشم یک کسب و کار به آن نگاه می کنید، شما حتما به یک تریدینگ پلن احتیاج خواهید داشت. زیرا می خواهید که در بازار دوام آورده و سود نمایید. اگر شما قبلا به این نتیجه رسیده اید پس این کتاب نمی تواند چیز جدیدی را به شما بگوید. با این حال شاید بعنوان "یادآوری" چشمان شما را نسبت به جنبه های جدیدی از تجارت که می تواند سودآوری شما را بهبود بخشد کمی بازتر نماید.

برخی افراد تریدینگ پلن را بعنوان یک نقشه راه توصیف می کنند. که این عبارت می تواند به معنای واقعی کلمه درست باشد، بخاطر اینکه شما را از جایی که اکنون در آن هستید به جایی که تمایل دارید برسید (سود آوری مستمر) خواهد برد.

این امر مانند سفر با کشتی در اقیانوس می باشد، که طبیعتا در صورت نداشتن نقشه راه و آب و هوایی و سیستم های ردیابی این سفر بسیار خطرناک بوده و عواقب آن کاملا معلوم است.

به طور مشابه، شما چگونه می خواهید به اهدافتان دست یابید بدون داشتن یک تریدینگ پلن. تقریبا به طور قطع در این مسیر با استرسها و بی خوابی های شبانه و از دست دادن سرمایه تان مواجه خواهید شد.

معامله کردن بدون تریدینگ پلن مانند رانندگی کردن از شمال اسکاتلند به نوک جنوبی انگلستان می ماند، که لحظه ای نخوابید و نقشه راه هم نداشته باشید. آنگاه چطور انتظار دارید که به سلامت به مقصدتان برسید؟

---
[1] Trading Strategy

یک تریدینگ پلن چه کاری انجام می دهد؟

انجام معامله با یک تریدینگ پلن بسیار ساده تر است از معامله کردن بدون آن! کافیست تا خود را ملزم به رعایت قوانین آن کرده تا به این عمل عادت کنید. یک تریدینگ پلن شما را از انجام بسیاری از معاملات زیانده منع می کند و همچنین برای انجام معاملات احساسی شما را محدود می نماید.
یک تریدینگ پلن مناسب به شما کمک می کند که به تمامی خواسته های مطرح شده خود برسید، زیرا هر زمان که شما در حال معامله کردن هستید، نه تنها بعنوان یک نقشه راه عمل می کند بلکه موقعیت های معاملاتی خوب را نیز به شما نشان خواهد داد. مهمتر از همه اگر معامله شما به ضرر رفت شما می دانید که دو اتفاق احتمالا رخ داده است:

۱. یا طرح معاملاتی شما مشکل دارد و چیزی در آن در نظر گرفته نشده است.
۲. یا شما به جزئیات طرح تان درست عمل نکرده اید.

اگر طرح معاملاتی شما در گذشته بازار تست شده است[1] (Back Test) و رضایت بخش بوده و در معاملات رو به جلو[2] (Forward Test) نیز امتحان شده و نتایج رضایت بخش بوده است، پس احتمالا شما به جزئیات طرح تان درست عمل نکرده اید. احتمال دیگری هم وجود دارد و آن این است که شاید بازارها تغییراتی کرده اند و استراتژی تان نیازمند بهینه سازی است. که توضیح این مطلب را در مباحث بعدی به طور کامل بیان خواهم کرد.
اما چه می شد اگر در حالیکه تریدینگ پلن نداشتید در یک معامله ضرر می کردید؟
در این حالت تقریبا غیر ممکن است تا تشخیص دهید آنچه را انجام می دهید درست است یا غلط. در واقع شما هیچ راهی برای ارزیابی نتایج خود ندارید. نمی دانید که آیا باید آنها را اصلاح کنید یا خیر؟ آیا در مسیر موفقیت هستید یا از مسیر خارج شده اید و دارید به سوی درّه حرکت می کنید؟
تریدینگ پلن در واقع GPS شخصی شماست و موقعیت فعلی شما را نسبت به کل نقشه نشان می دهد. و

---

[1] پس از آنکه استراتژی خود را کاملا تعریف کردید. بر روی چارت به تاریخ های گذشته رفته و یک برگه یا فایل اکسل برای خود تهیه می کنید. کندل به کندل چارت را به جلو می روید با توجه به قوانین ورود و خروج و مدیریت ریسک و سرمایه شروع به معامله مجازی می نمایید. هر موقعیتی که براساس قوانین شما فراهم شد به صورت فرضی وارد معامله می شوید و اطلاعات را یادداشت می کنید. با کندلها به جلو می روید و پوزیشن خود را طبق قوانین مدیریت سرمایه کنترل می نمایید. پوزیشن به پوزیشن این عمل را انجام می دهید. به این عمل تست در گذشته بازار یا back test گفته می شود.

[2] همانند حالت گفته شده در back test اما این بار دیگر به گذشته بازار نمی روید، بلکه چارت را باز کرده و به صورت آنلاین معامله می کنید، و تمامی اطلاعات را مانند قبل یادداشت می کنید. تنها تفاوت آن با back test این است که معاملات به صورت زنده بوده و شما از آینده بازار اطلاعی نخواهید داشت و همین امر کمی بیشتر روحیه شما را تحت فشار قرار خواهد داد.

اگر هر لحظه داشتید مسیر را اشتباه می رفتید بلافاصله به شما اخطار می دهد تا مسیر خود را اصلاح کنید. شما قادر خواهید بود به طور مستمر نتایج خود را ارزیابی کنید و از همه مهمتر از این طریق نظم و انضباط به معاملات خود بدهید. اگر شما یک تریدینگ پلن نداشتید این کار واقعا غیر ممکن می شد.
یک تریدینگ پلن باید از هرگونه تصمیمات لحظه ای و احساسی به دور باشد. هنگامی که شما با پول واقعی معامله می کنید، مسائل عاطفی بسیار قدرتمند خواهند شد. و به احتمال زیاد شما را مجبور به تصمیمات غیر منطقی می کند.
با یک تریدینگ پلن صحیح شما دیگر نگران این نخواهید بود که در هر لحظه چه تصمیمی باید بگیرید. بلکه تنها کاری که انجام می دهید به قوانین آن عمل می کنید.

بسیار خب، امیدوارم که در حال حاضر کاملا با محاسن داشتن یک تریدینگ پلن به وضوح آشنا شده باشید. در اینجا خلاصه ای از نکات کلیدی محاسن داشتن یک طرح معاملاتی لیست شده است.

۱. داشتن آرامش. اگر یک تریدینگ پلن نداشته باشید، دنیای بازارهای مالی مخصوصا تجارت فارکس بشدت برای شما استرس آور خواهد بود.
۲. قابلیت نظارت بر پیشرفت خود، تشخیص گسل ها و اصلاح طرح براساس آنها
۳. جلوگیری از گرفتن تصمیمات لحظه ای غیر منطقی
۴. کمک به کنترل تنها چیزی که شما قادر به کنترل آن هستید: یعنی خودتـــــان
۵. معامله گران حرفه ای بسیار منظم هستند. یک برنامه خوب با پایبند بودن به آن، نظم و انضباط را به تجارت شما، کم کم تزریق می کند. در حالیکه قماربازان به هیچ عنوان انضباط ندارند.
۶. تریدینگ پلن به شما این قابلیت را می دهد که خارج از منطقه آرامش خود اقدام به انجام معامله نمایید.
۷. یک نقشه راه برای شما خواهد بود، از جایی که هستید و به جایی که خواهید رفت.
۸. قالب تریدینگ پلن شما بگونه ای است که در صورت خارج شدن از مسیر، بلافاصله به شما اخطار خواهد داد و مانع میشود از اینکه در مسیرهای پر پیچ و خم از مسیر اصلی خارج شود.

قبل از شروع . . .

قبل از اینکه شروع کنید به ساخت تریدینگ پلن خودتون از روی این قالب، جهت بهتر شدن تریدینگ پلن تان باید به چند نکته توجه نمایید.
قالبی که برای طراحی اولیه تریدینگ پلن شما تهیه شده به ۱۱ بخش تقسیم شده است. هدف از تهیه این قالب، تمرینی است برای شما برای تهیه یک تریدینگ پلن سفارشی برای خود با توجه به شخصیت، توانایی و منابع خودتان.
هرگز وسوسه نشوید تا یکی از بخش ها را نادیده بگیرید و از آن بگذرید، بلکه سعی کنید پس از مطالعه هر بخش مدتی را به تجزیه و تحلیل پرداخته و براساس آن اقدام به تهیه آن بخش از تریدینگ پلن خود نمایید. تصور کنید که این ۱۱ بخش مانند ۱۱ بازیکن یک تیم فوتبال می باشند که همگی آنها با یکدیگر تشکیل یک تیم را می دهند و نبود هر یک مشکلاتی را برای آن تیم ایجاد خواهد کرد.

کاملا ممکن است قالب تریدینگ پلن معرفی شده ساده به نظر برسد، اما سعی کنید به تمام سئوالات آن با دقت پاسخ دهید. برای مثال در اولین بخش از شما پرسیده می شود که: "برای چه می خواهید یک معامله گر شوید" و به طور مثال اگر این پاسخ را بدهید: "برای آنکه پولدار شوم"، این یک پاسخ عمومی است که همه معامله گران می خواهند به آن دست یابند. این پاسخ اختصاصی ویژه شما نیست و در واقع کمکی به ساخت تریدینگ پلن شما نخواهد کرد. "معامله گری یک کسب و کار است. همانند سایر کسب و کارهای دیگر" یک جمله کلیشه ای است که اغلب نقل قول می شود، اما همیشه به آسانی فراموش می گردد.

شما می توانید به راحتی از لحظه لحظه خوردن یک فنجان کاپوچینو لذت ببرید در حالی که مقدار زیادی از اوراق قرضه دولتی را با سود ثابت و مطمئن خریداری کرده اید. پس چرا می خواهید استرس های یک معامله گر را به جان بخرید؟ اکنون مجدداً این سئوال را می پرسم: "چرا می خواهید یک معامله گر شوید؟"



در پاسخ به سئوال بالا، ممکن است شما معامله گران سفته باز با کت و شلوار پر زرق و برق را از شبکه های تلویزیونی دیده باشید، که با چه شور هیجانی در حال معامله گری هستند، اگر بخاطر این است که می خواهید معامله گری را بعنوان حرفه خود انتخاب کنید، سخت در اشتباه هستید! شما در واقع احتیاج به کمی شور و هیجان در زندگی خود دارید.

در واقع این تمایل قابل تحسین است، اما اگر این شور و هیجان را بخواهید در بازار بکار گیرید با فاجعه بزرگی روبرو خواهید شد و آن از دست دادن کل سرمایه تان می باشد.

شاید هم در مورد معامله گرانی شنیده اید که در یک روز چند ده هزار دلار را توانسته اند به جیب بزنند! بدون شک این کار شدنی است اما تنها بخش کوچکی از معامله گران می توانند به این شرایط دست یابند، چیزی در حدود ۵ درصد.



و یا تصاویری دیده اید از معامله گرانی که با یک لب تاب در هواپیمای شخصی و یا قایق لوکس خود نشسته اند و دارند از طریق معامله گری پول به جیب می زنند.

چنین توهماتی ممکن است که در شما ایجاد انگیزه کند تا وارد بازار پر خطر معامله گری شوید. و سپس این احساسات را با خود به دنیای معامله گری بیاورید. و بعد از مدتی از بازی حذف شوید!

این را همیشه بخاطر بسپارید که معامله کردن با شهوت و هیجان منجر به نابودی خواهد شد.

داشتن این افکار و احساسات به خودی خود چیز بدی نیست، اما زمانی بد و خطرناک می شوند که آنها را وارد دنیای معامله گری خود نمایید. شما باید یاد بگیرید که این هیجانات و احساسات را تحت کنترل خود درآورید.
به دقت به سئوال پرسیده شده فکر کنید و با خود صادق باشید. وانمود نکنید که جای شخصی دیگر باشید. خجالت نکشید، قلم و کاغذ را بردارید و شروع به نوشتن در مورد هیجانات و احساسات خود در مورد شغل معامله گری نمایید.
پاسخ دادن به این پرسش که "چرا شما میخواهید یک معامله گر شوید؟" میتواند انگیزه واقعی شما، ترس و هیجانات و جاه طلبی هایتان را برای شما به تصویر بکشد. شما چطور می توانید اجازه دهید که عوامل بر تجارت شما تاثیر بگذارد. در واقع هرچه بیشتر در مورد خودتان بیاموزید، تریدینگ پلن بهتری را برای خود طراحی خواهید کرد.

هر بخش از یک سری سئوالت تشکیل شده است. تمامی پاسخ های شما به سئوالات باید واضح و واقع بینانه باشد. هیچ نکته ابهامی نباید در تریدینگ پلن شما وجود داشته باشد. بنابراین از پاسخ دادن های مبهم به سئوالت جداً خودداری کنید. بعنوان مثال: فرض کنیم که شما تصمیم می گیرید که بر روی شاخص

داو جونز[1] معاملات خود را انجام دهید. خب باید به این پرسش پاسخ دهید که چرا DOW؟ چرا اس اند پی ۵۰۰ [2] نباشد؟ چرا بازار دیگری نباشد؟

تصمیم می گیرید که در پایان شب، بعد از آنکه تمامی کارهای خود را انجام داده اید معامله کنید. خب باید از خود بپرسید چرا باید این ساعت وارد بازار بشوم؟ آیا اصلا درست است که در این ساعت وارد بازار شوم؟ هنگامی که شما اینگونه سئوالات را از خود بپرسید در واقع می توان امیدوار بود که یک تریدینگ پلن تجاری خوبی را دارید برای خود طراحی می کنید.

خب مقدمه دیگر کافیست! . . . اجازه دهید که قالب یک تریدینگ پلن را شروع کنیم به نوشتن. آیا آماده هستید؟ پس شروع می کنیم . . .

---

[1] Dow Jones Industrial Average یک شاخص اقتصادی بازار آزاد است که توسط وال استریت ژورنال منتشر و تهیه می شود. این میانگین برای نخستین بار در تاریخ ۲۶ مه ۱۸۹۶ ارائه شد. این شاخص فهرستی از ۳۰ سهام برتر در بازار بورس سهام نیویورک است.

[2] S&P 500 مخفف Standard and poor's Index می باشد. فهرستی است از ۵۰۰ سهام برتر در بازار بورس سهام نیویورک و نزدک. از این فهرست جهت قیاس در معاملات و خرید و فروش سهام و نیز جهت ارزیابی عملکرد شرکتهای بزرگ استفاده می شود.

طراحی تریدینگ پلن مخصوص شما

خودتان را بشناسید و اهداف خود را معین کنید

تقریبا هر معامله گر حرفه ای بازارهای مالی به شما خواهد گفت که کلید موفقیت در معاملات نهفته در روح و روان شماست. [1]

بسیاری از معامله گران، یک حمله خشونت آمیز در احساسات و افکار خود را در آغاز زندگی حرفه ای تجربه کرده اند. آنها خیلی زود هنگام موفق شدن در یک معامله سرخوش می شوند و دچار طمع می گردند. و یا خیلی زود دچار اضطراب می شوند هنگامی که پوزیشن شان با ضرر بسته می شود و دچار ترس و یاس می گردند. این مورد حتی در بسیاری از معامله گران حرفه ای بازار نیز دیده شده است. برای اینکه در دریایی از آرامش اقدام به انجام‌معاملات کنید باید شرایط روانی خود را هنگام پیروزی و شکست در معاملات کاملا بشناسید. هنگامی که به این اطلاعات مسلح شوید، می توانید تریدینگ پلن خود را طراحی کنید که مزین به جنبه های مثبت روانی بوده و اکثر جنبه های منفی آن فیلتر شده است.

به همراه روانشناسی خود، خیلی مهم است که بدانید، "چرا میخواهید یک معامله گر شوید؟" . . .
"هدف شما چیست؟" . . . "چه ویژگی هایی باید داشته باشید تا خود را یک معامله گر موفق بدانید؟" . . .
تصمیم بگیرید که به چه چیزی می خواهید برسید؟ و سپس از خود سئوال کنید که چرا و چگونه باید به آن دست یافت؟
"چرا میخواهید یک معامله گر شوید؟" سئوالی است درباره انگیزه های واقعی شما. بررسی کنید که آیا شما واقعا استعداد معامله گری را دارید؟ اگر این وقت و زحمت و استرس را برای شغل دیگری بگذارید موفقتر نخواهید بود؟ آیا شما مطمئن هستید که معامله در بازارهای مالی مخصوصا فارکس برای شما مناست است؟ اگر فکر می کنید که با معامله گری می توانید مقادیر عظیمی ثروت را به راحت ترین روش ممکن به جیب بزنید، پس دوباره به آن خوب فکر کنید! مراقب باشید! معامله گری راه آسانی نیست!

---

[1] درک روان معامله گران، مجموعا به عنوان "احساسات" نامیده می شود. همچنین یک ابزار بسیار هوشمندانه است.

چه نوع معامله گری میخواهید بشوید؟

آیا شما یک معامله گر تکنیکال[1] هستید و یا بنیادی[2] و یا هر دو؟ آیا معاملات شما بلند مدت است (ماهانه) یا میان مدت (بعوان مثال هفتگی) و یا کوتاه مدت (مثلا روزانه و کمتر) .

آیا براساس روندها اقدام به انجام معامله می کنید یا براساس سوئینگ ها[3] ؟ آیا علاقه دارید که از آن دسته معامله گرانی باشید که در طول روز به مانیتور خیره می شوند و چشم از بازار بر نمی دارند تا موقعیت های مناسب را شکار کرده و سود خود را بدست آورند؟ یا دوست دارید از آن دسته از معامله گرانی باشید که در روز یک الی دو ساعت نمودارها و اخبار را تحلیل و تصمیمات معاملاتی خود را اخذ می کنند؟

لطفا با دقت و توجه کامل سبک معامله گری خود را با توجه به شرایط روحی و کاری خود معین کنید.

قالب شماره یک

من یک معامله گر تکنیکال هستم. سبک معاملاتی من بسیار تهاجمی است و این باعث شده که در طول روز تقریبا شبیه به اسکالپ کارها[4] معامله کنم. یک سبک محافظه کارانه هم دارم که باعث می شود در نوسانات پایان روز اقدام به معامله نمایم. من درک می کنم که تحت هیچ شرایطی نمی توانم آینده را پیش بینی نمایم. و همچنین هرگز نمی توانم بازار را تحت کنترل خودم درآورم. اما می دانم که تنها چیزی که می توانم کنترل کنم، خودم هستم.

از خصوصیات تریدینگ پلن من این است که مفصل و خاص و تست شده می باشد و سودآوری آن برای من مسجل گردیده است.

---

[1] تحلیل تکنیکی (تکنیکال) یا تحلیل فنی (Technical Analysis) روشی برای پیش بینی قیمتها در بازار از طریق مطالعه وضعیت گذشته بازار است. در این تحلیل از طریق بررسی تغییرات و نوسان های قیمت ها و حجم معاملات و عرضه و تقاضا می توان وضعیت قیمت ها در آینده را پیش بینی کرد.

[2] تحلیل بنیادی یا همان تحلیل فاندامنتال. مطالعه عوامل ریشه ای و اصلی است که ماهیت اقتصاد، بخش های صنعتی و شرکتها را تحت تاثیر قرار می دهد و هدف از آن مانند دیگر تحلیل ها، پیش بینی حرکتهای آینده قیمت و کسب سود از آن است.

[3] معاملات سوئینگ یعنی انجام معامله در نوسانهای بازار. در این نوع معاملات جهت روند قیمت برای تحلیل گر ملاک نیست.

[4] اسکالپ Scalping یعنی ورود و خروج به بازار برای جمع کردن سودهای کوچک. تفاوت آن با معامله کردن در طول روز این است که در معاملات روزانه ممکن است ۲ یا ۳ پوزیشن در طول روز باز شود و نگه داشته شود تا به سود مورد نظر برسد. اما در اسکالپ، در طول روز بارها خرید و فروش انجام می شود و معمولا بسیار سریع، کمتر از ۵ دقیقه پوزیشن بسته می شود.

نقاط قوت و ضعف شما چیست؟

سعی کنید که نقاط قوت و ضعف خود را در مورد معامله کردن مشخص کنید. و سپس مشخص کنید که چگونه می توانید آنها را برای انجام یک معامله سود آور بهینه کنید. یادتان باشد فقط شما هستید که می توانید این لطف را در حق خود بکنید و نه کسی دیگر. گذشته زندگیتان شاید تبواند سرنخهایی را به شما بدهد. فرض کنید که شما یک خبلان سابق جنگنده بوده اید، که به کار در محیطی کاملا منظم عادت کرده اید. و همچنین کارکردن در شرایط سخت و طاقت فرسا را تجربه نموده اید (قدرت بالقوه). بنابراین یک احتمال وجود دارد که شاید شما احتیاج به هیجان داشته باشید و تمایل دارید که هر از چند گاهی آدرنالین خون خود را افزایش دهید. و یا حتی یک میل ناخودگاه به تجربه ترس را داشته باشید (ضعف بالقوه).
بنابراین شما متوجه نقاط قوت و ضعف خود شدید. و اکنون می توانید از نقاط قوت برای افزایش سود و از نقاط ضعف خود برای فیلتر کردن ضررهای احتمالی استفاده نمایید.

قالب شماره دو

قدرت اصلی من این است که به سودهایم اجازه پیشروی می دهم و تمامی معاملات من براساس استراتژیم بسته می شوند. این باعث می شود که خطوط قرمزی برای معاملات خود داشته باشم، و به من کمک می کند تا به سمت هدفم پیشروی کرده و بطور مداوم در بازارها سود کسب کنم.
قدرت ثانویه من این است که . . . (در صورت وجود می توان این لیست را ادامه داد)
ضعف من در این است که به شدت تمایل به جبران زیانها دارم. و این به ناچار منجر به زیان می شود. برای این منظور من یک قانون برای کم کردن این زیانها دارم و آن این است که: اگر در طول روز ۲ بار پشت سرهم زیان کردم، بایست کامپیوترم را خاموش کرده و به مدت ۲ روز از بازار فاصله بگیرم، و به فعالیت های تفریحی بپردازم. پس از آن دوباره به بازار باز خواهم گشت. زیرا می دانم که فرصتهای سودآور همیشه در بازار بوده و خواهند بود.
ضعف دوم من این است که . . . (در صورت وجود می توان این لیست را ادامه داد)

نیم کره راست یا نیم کره چپ؟



طرز فکر شما مانع کلیدی نهفته ای است بین شما و موفقیت در بازارهای مالی. بسیار مهم است که بدانید بیشتر از نیم کرده راست مغز خود بهره می برید یا از نیم کرده چپ. زیرا با دانستن این موضوع، پی خواهید برد که عملکرد شما در بازار چگونه است.

ویژگی های افراد چپ مغز: احتمالا از روی فهرست کارهایشان را انجام می دهند. دوست دارند مرتب انتقاد کنند. در ریاضیات قوی هستند. منطقی و اهل استدلال می باشند. برای خودشان اهداف مشخص تعیین می کنند. می توانند اطلاعات را خوب تعبیر و تفسیر کنند. اتاق شان مرتب است. می توانند به سئوالات بدون فکر پاسخ دهند. احساساتی نیستند. بدون اینکه کاسه صبرشان لبریز شود، می توانند به سخنرانی های طولانی گوش بدهند. از فیلم های اکشن خوششان می آید. نشسته مطالعه می کنند.

ویژگی های افراد راست مغز: سخت می توانند حواسشان را جمع کنند. با مردم راحت هستند. مثل برخی راحت دستاویز مسخره بازی دیگران نمی شوند. به نظر خیالباف می آیند اما در واقع به فکر عمیق فرو می روند. به نوشتن رمان، نقاشی یا نواختن موسیقی علاقه دارند. ممکن است گذر زمان را فراموش کنند. بذله گو و بامزه هستند. پیش بینی ناپذیر می باشند. راحت گم و سرگردان می شوند.

اینها برخی از خصوصیات راست مغزها و چپ مغزها است. شاید تاکنون فهمیده باشید که چرا باید بدانید راست مغز هستید یا چپ مغز.و ارتباط آن را با بازار مالی کشف کرده باشید. در واقع تعیین این موضوع به شما کمک می کند که نحوه عکس العمل شما نسبت به شرایط پیش بینی نشده بازار را از قبل تعیین کنید و با توجه به آن تصمیمات لازم و قوانین معاملاتی مخصوصی وضع نمایید.

قالب شماره سه

با توجه به خصوصیات افراد راست مغز، بنظرم من یک انسان راست مغز هستم. بسیار زود خسته شده و این فشار خستگی بر من استرس وارد می کند. لذا من در طول روز فقط هنگامی اقدام به معامله می کنم که استراحت کافی کرده باشم و پریشان و مضطرب نبوده و استرس کار و خانواده و غیره در من وجود نداشته باشد. من به این قانونی که در تریدینگ پلن خودم وضع کرده ام به شدت پایبند خواهم بود. زیرا می دانم که این کار باعث خواهد شد تا از معاملات ضرر ده جلوگیری کرده و به رشد معاملات سوده ام کمک کنم. بنابراین وقتی دچار اضطراب و پریشانی می باشم، هرگز معامله نخواهم کرد.

اهداف درآمدی شما چیست؟

دلایل متعددی وجود دارد که شما بخواهید یک معامله گر حرفه ای در بازار شوید. پول یک دلیل می تواند باشد که همه ما را متعهد به انجام کارها می کند. این خیلی مهم است که اهداف مالی برای خود داشته باشید و آنها را به اهداف کوچکتر تجزیه نمایید. یک ضرب المثل قدیمی است که می گوید: "قدمهای کوچک همیشه برداشته می شوند، اما گامهای بزرگ هرگز برداشته نخواهند شد" یا بعبارتی برای ما ایرانی ها "سنگ بزرگ نشانه نزدن است". که کاملا برای معامله گران هم صدق می کند. شاید نیازی به گفتن نباشد در صورتی که در استراتژی خود یک هدف ۵% در ماه را تعریف کرده اید باید آن را به ۵ هدف ۱% در ماه تجزیه کنید.

اهداف درآمدی خود را رویاپردازانه معین نکنید. سعی کنید حتما عدد مورد نظر در ذهن شما قابل درک باشد. بعنوان مثال اگر در محیطی بزرگ شده اید که هرگز در مخیره خود نمی توانید بگنجانید که در ماه بیش از ۱۰۰۰۰۰دلار درآمد داشته باشید، هرگز آن را بعنوان هدف درآمدی مشخص نکنید. زیرا "انسانها چیزی را که باور کنند خواهند دید". بنابراین سعی کنید عددی را انتخاب کنید که حداکثر عددی باشد که از نظر ذهن خود برای دست یافتن به آن توانایی دارید، سپس آن را به ۵ هدف کوچکتر با بازه زمانی قابل درک برای خود معلوم کرده و سعی کنید به اهداف کوچکتر دست یابید. اکنون که به این اهداف کوچک دست پیدا کردید، باورتان می شود که می توان هدف بزرگتر را نیز کسب نمایید و همینطور این اهداف بزرگتر و بزرگتر خواهند شد.

قالب شماره چهار

من قصد دارم که در پایان یکسال معامله گری بتوانم ۱۰% مبلغ سرمایه گذاری صورت گرفته را کسب نمایم. من .... دلار سرمایه برای معاملات در نظر گرفته ام. که در صورت افت سرمایه ...... درصدی استراتژیم بطور متوسط برابر می شود با .... دلار، که بر همین اساس درآمد متوسط هفتگی می شود .... دلار و درآمد متوسط روزانه: .... دلار.

بنابراین من به یک هدف روزانه .... درصد از مقدار موجودی ام دست یافتم.

من می دانم شاید این اهداف بسیار کوچک بوده و توجیه سرمایه گذاری نداشته باشند. اما برای من که تازه وارد بازار مالی شده ام بسیار منطقی است. پس از پایان یکسال سرمایه گذاری و کسب ۱۰ درصد بازده برای سال بعد قصد دارم تا این عدد را به ۲۰ درصد افزایش دهم.

اهداف معاملاتی

تعیین اهداف معاملاتی یک بخش ضروری از تریدینگ پلن شما می باشد که همانند یک فانوس دریایی شما را به سمت ساحل موفقیت هدایت خواهد کرد. به کمک تعیین اهداف معاملاتی است که می توانید میزان پیشرفت خود را مرتبا بررسی نمایید، در غیر اینصورت این کار ممکن نخواهد بود.

سعی کنید که اهداف معاملاتی خود را صرفا مالی در نظر نگیرید. اگر شما به معامله گر شدن حرفه ای تمرکز کنید خود بخود پول برای شما ساخته خواهد شد.
تفاوتی که بین اهداف معاملاتی و اهداف مالی - که در بخش قبل مطرح شد – وجود دارد این است که در اهداف معاملاتی شما وارد جزئیات و چگونگی دست یافتن به اهداف مالی تعیین شده می پردازید.

۱. اهداف تجاری سالانه خود را معلوم کنید:

این یک تصویر سازی ذهنی بزرگ است. به توانایی و دانشی که میخواهید از هم اکنون تا سال آینده همین موقع به دست آورید فکر کنید.

قالب شماره پنج

هدف تجاری سالانه من این است که قوانین معاملاتی خود را توسعه دهم. در حال حاضر این اهداف شامل سه عنصر جداگانه است:
(۱) من دانشجوی رشته حقوق هستم و در آینده نزدیک فارغ التحصیل شده و در این زمینه میخواهم به تدریس مشغول شوم. (۲) من بهترین تریدینگ پلن را مدل سازی کرده ام و به صورت مکتوب دارم. (۳) استراتژی های من به خوبی توسعه یافته اند، تست شده می باشند و تحت نظارت کامل بوده تا همیشه بهینه و سودآور باشند.
من انتظار دارم که به اهدافم برسم زیرا: من توانایی مربیگری را دارم، من همیشه مجله .... را مطالعه می کنم و از تجربیات افراد متبهر در گروه .... بهره می برم. هنگامی که به هر یک از اهداف کوتاه مدت می رسم به خودم پاداش خواهم داد. از قبیل: یک روز کارم را تعطیل کرده و به خانواده ام خواهم پرداخت. دو هفته به مسافرت خواهم رفت و در یک ویلای شیک اقامت خواهم کرد و ...

۲. اهداف تجاری ماهانه خود را معلوم کنید:

پس از تعیین اهداف تجاری سالیانه اکنون نوبت به تعیین اهداف تجاری ماهانه می باشد. تا جایی که امکان دارد از رویا پردازی اقتصادی دوری کنید، و به این تمرکز کنید که چگونه می خواهید به اهداف تجاری خود دست یابید؟ و هنگام رسیدن به آن اهداف چه پاداشی می خواهید به خودتان بدهید؟

قالب شماره شش

اهداف تجاری ماهانه من رسیدن به سود ۵۰۰ دلار در ماه است، با نسبت موفقیت نرمال[۱] ۲ به ۱ و نسبت موفقیت سریع[۲] ۱ به ۱/۵ یا بیشتر.
من انتظار دارم که به این اهداف برسم به این دلیل که من تاریخچه معاملاتی خودم را به صورت روزانه/هفتگی و ماهانه بررسی می کنم و به محض ایجاد هر گونه مشکل، آنها را برطرف خواهم نمود.
وقتی که به این هدف تجاری (رسیدن به ۵۰۰ دلار در ماه) رسیدم، پاداش من یک وعده غذایی با خانواده یا دوستان در بهترین رستوران شهر خواهد بود.

۳. اهداف تجاری هفتگی خود را معلوم کنید:

اکنون زمان آن فرا رسیده که کم کم وارد جزئیات شوید! وقت آن رسیده که اهداف تجاری هفتگی خود را معلوم کنید و معین کنید که چگونه می خواهید به آن اهداف برسید؟ و هنگامی که به آن اهداف میرسید چه پاداشی را برای خود در نظر می گیرید؟

قالب شماره هفت

اهداف تجاری هفتگی من عبارتند از: معامله به صورت روزانه و در طول هفته، با توجه به تریدینگ پلن شخصی خودم. که مستلزم این هستش، استاپ هایم را دقیقا معلوم کنم، با توجه به مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه ام. سپس باید بیشتر وقت خودم را به مطالعه و جستجو برای معاملات جدید و انتخاب بهترین آنها برای ورود اختصاص دهم. هنگامی که من به این هدف رسیدم، این پاداشها را برای خودم در نظر می گیریم . . . (لطفا با دقت پاداشهای انگیزشی خود را یادداشت نمایید)

---

[۱] نسبت موفقیت نرمال: این نسبت هنگام تست استراتژی بدست می آید. در هنگام تست استراتژی بر اساس مدیریت سرمایه ای عمل می شود که هیچگونه سرعتی برای رسیدن‌به اهداف مالی وجود نخواهد داشت و همیشه صبر می کنیم که شرایط بازار به حالت ایده آل و کم ریسک رسیده و سپس معامله خواهیم کرد.

[۲] نسبت موفقیت سریع: این نسبت هم همانند توضیح بالا، در هنگام تست استراتژی بر اساس مدیریت سرمایه ای عمل می شود که رسیدن به اهداف مالی سرعت بیشتری خواهند داشت. لذا در موقعیتهایی پر ریسک تری وارد بازار خواهیم شد.

۴. اهداف تجاری روزانه خود را معلوم کنید:

در نهایت، باید ریز بین تر شوید و روز به روز فعالیت های تجاری خود را بررسی کنید، تا ببینید که چه مقدار پیشرفت کرده اید. و آیا در مسیر درست اهداف بلند مدت حرکت می کنید یا خیر؟ و با پاداشهای روزانه انگیزه خود را برای گام برداشتن در راه موفقیت بالا ببرید.

الگوی شماره هشت

اهداف تجاری روزانه من عبارتند از: انجام معامله با توجه به تریدینگ پلن، من به قوانین معاملاتی خودم کاملا متعهد هستم و آنها را مو به مو رعایت خواهم کرد، زیرا آنها بسیار دقیق طراحی شده اند و بسیار سود ده می باشند. من به پیروزی مطمئن هستم برای آنکه نظم شخصی برای وفادار ماندن به تریدینگ‌پلن خود دارم، که به ترتیب در آن اهداف دیده شده هفتگی، ماهانه و سالانه من بیمه خواهد شد.

بازارها، وسیله های معاملاتی[1] و تایم فریم ها

در کدام بازارها می خواهید معامله کنید؟

تصمیم بگیرید که در کدام بازارها قصد انجام معاملات را دارید؟ وسایل معاملاتی آن بازارها کدام هستند؟ و دلایل انتخاب آن ها چیستند؟

بعنوان یک قانون کلی، معامله گران حرفه ای تمرکز خود را به تعدادی محدود از بازارها و وسایل معاملاتی معطوف می کنند. در نقطه مقابل معامله گران تازه کار سعی می کنند تا در تمامی بازارها تمرکز کنند، از چندین وسیله معاملاتی بدون در نظر گرفتن روابط بین آنها برای معامله کردن استفاده می کنند.

قالب شماره نه

من قصد دارم در بعد از ظهرها هنگامی که کارم به پایان می رسد، در بازار فارکس به انجام معاملات بپردازم. زیرا برای من فرصت مناسبی است هم از کارم فارغ شده ام و هم اینکه در ساعت مناسب جلسه معاملاتی بازار یعنی حدود ۶ الی ۹بعد از ظهر می باشد. در آن ساعات این مزایا در بازار فراهم می باشد: بعلت تداخل جلسات لندن و نیویورک نقدینگی بازار مناسب است، حجم معاملات بالا است، اسپردها کم می باشند، دستورات معاملاتی به سرعت اجرا می شوند، و کارمزدهای معاملاتی نیز پایین است.

با کدام وسایل معاملاتی میخواهید معامله کنید؟

آیا شما خودتان را به یک جفت ارز (در بازار فارکس) و یا به یک سبد سهام (در بازار سهام) محدود می کنید؟ آیا شما هر جفت ارز یا سهمی را معامله می کنید؟ اگر شما در بازار فیوچرز معامله می کنید، چند بازار را مورد معامله قرار می دهید؟ اگر در بازار فارکس معامله می کنید چند جفت ارز را مورد معامله قرار خواهید داد؟ و چرا؟

---

[1] وسیله معاملاتی، چیزی است که شما آن را معامله می کنید. مثلا در بازارهای سهام وسیله معاملاتی یک برگ سهم است. و در بازار فارکس وسیله معاملاتی جفت ارزها هستند و ...

قالب شماره ده

تعداد سهام/قردادهای آتی/ جفت ارزهایی که من معامله می کنم با توجه به نقدینگی خود بیش از ۲ مورد تجاوز نخواهد کرد. زیرا من مدت زمان زیادی را وقت صرف کردم تا استراتژی معاملاتیم را روی این ۲ مورد تست کنم. و از نتایج بدست آمده بسیار رضایت دارم. هم اینک فرصت کافی برای تست گیری استراتژیم بر روی سهام/قرارداد/جفت ارز ندارم. لذا تا زمانی که تست گیری بر روی وسایل معاملاتی دیگر را دقیقا انجام نداده باشم به هیچ عنوان وارد تریدینگ پلن خود نخواهم کرد. زیرا من می دانم که اگر استراتژی معاملاتی من بر روی برخی از جفت ارزها/سهام/قراردادها خوب عمل کرده است هیچ دلیلی وجود ندارد که بر روی موارد دیگر هم درست همان نتایج را بدهد.

در کدام تایم فریم معامله خواهید کرد؟

امیدوارم که توانسته باشید تصمیم بگیرید که چه نوع معامله گری می خواهید بشوید؟ یک معامله گر روزانه، اسکالپر یا معامله گر نوسان گیر؟ حالا شما نیازمند آن هستید که تصمیم بگیرید در چه تایم فریمی باید معامله کنید. باید خیلی روشن در ذهن خودتون به تعداد تایم فریمهایی که قصد معامله دارید رسیده باشید. بعنوان مثال: یک معامله گر روزانه از تایم فریم یک دقیقه برای ورود و از تایم فریم ۵ دقیقه برای خروج و از تایم فریم ۱۵دقیقه برای تعیین نوع پوزیشن خود (خرید یا فروش) استفاده می کند.

قالب شماره یازده

سبک معامله گری من معامله گری روزانه است. من در تایم فریم ۱۵ دقیقه روندها را تشخیص می دهم و در تایم ۵ دقیقه برای ورود و خروج از پوزیشن و در تایم یکساعته برای مانیتور کردن پوزیشن های بازم استفاده خواهم کرد. زیرا این تایم ها در استراتژی معاملاتی من بخوبی برای من سود ده بوده اند.

ابزارهای معامله گری

از کدام بروکر و پلت فرم معاملاتی استفاده می کنید؟

کارگزار شما و پلت فرم معاملاتی که با آن کار می کنید بسیار برای شما حیاتی هستند. همانند راکت تنیس "راجر فدرر" قهرمان تنیس جهان که برای وی بسیار مهم و حیاتی است. وی می تواند با یک راکت قدیمی هم به انجام تنیس بپردازد و شاید هم قهرمان شود، اما انتخاب ابزار کار مناسب و دقیق به وی کمک می کند تا مطمئن تر و سریعتر به هدفش که قهرمانی در مسابقات تنیس می باشد برسد.
اولین ابزاری که باید قبل از هر چیز به آن اهمیت بدهید و در انتخاب آن وسواس داشته باشید، بروکر شماست. باید ببینید که آیا کارگزار شما وسایل معاملاتی شما را فراهم می کند، مثلا شما قصد دارید در بورس آمریکا سهام خرید و فروش نمایید، آیا کارگزار شما این قابلیت را دارد تا بتواند در سطح بین المللی خدمات خرید و فروش سهام را ارائه دهد؟ آیا کمیسیون های رقابتی در سطح جهانی دارد؟

اگر تصمیم دارید که چارتها را مطالعه کنید و از تحلیل تکنیکال استفاده نمایید در این صورت شما احتیاج به داده های معتبر از قیمتهای باز، بسته و بالا و پایین بازار خواهید داشت. مطمئن شوید که فراهم کننده این داده ها معتبر باشد و به شما داده های غلطی را ارائه ندهد. که در این صورت تمامی تحلیل های شما نقش بر آب خواهد شد.

قالب شماره دوازده

من از بروکر .... استفاده می کنم. بخاطر آنکه در سطح بین المللی خدمات خرید و فروش سهام را برای من انجام می دهد. کمیسیونهای رقابتی و کاملا مناسبی هم دارد. البته پلتفرم معاملاتی و خدمات مشتری آن در سطح پایینی از نظر جهانی می باشد.
از آنجایی که من یک تحلیل گر تکنیکال هست لذا بسیار به داده های معتبری احتیاج خواهم داشت. بنابراین در این خصوص از داده های شرکت .... استفاده می کنم، که کاملا با بروکر من متفاوت است. البته من کاملا مطمئن هستم که این داده ها معتبر می باشند، و لحظه به لحظه بروزرسانی می گردند. به راحتی می توانم آنها را در سیستم معاملاتی ام وارد نموده و از آنها استفاده نمایم. من تحلیلهایم را بر اساس این داده ها انجام می دهم و دستورات خرید و فروش خود را توسط بروکر اصلی خودم انجام خواهم داد.

کارهایی که باید قبل از باز شدن بازار انجام دهید

انجام معاملات بصورت ناگهانی و بدون آنکه وظایف معاملاتی شب قبل خود را انجام دهید، همانند رفتن به یک مسافرت خطرناک با وسیله شخصی است بدون بررسی روغن و موتور ماشین تان. این بسیار ضروری است که شما برای انجام معاملات از شب/روز قبل آمادگی داشته باشید. این همانند یک مشق شب می باشد که باید حتما آنها را به انجام برسانید.

کارهای روتین شده ای که باید از روز قبل برای معاملات امروز انجام دهید چیست؟

بعنوان مثال اینها مواردی است که شما باید هر روز بعد از انجام ساعات معاملاتی تعریف شده خود به آنها بپردازید تا برای معاملات در روز بعد آماده باشید:

(۱) مطمئن شوید که چه زمانی احتمالا بازار با پولبک مواجه خواهد شد و در چه شرایطی نتیجه احتمالی به نفع ما و استراتژی ما تمام خواهد شد.

(۲) خطوط حمایت و مقاومتی که احتمالا در روز کاری بعد بازار به آنها واکنش خواهد داد چیست؟

(۳) آیا بر اساس مدیریت سرمایه عمل کرده اید؟

(۴) آیا پوزیشنهای باز شما این اجازه را خواهند داد تا برای فردا پوزیشن جدیدی باز کنید؟ اگر بله به چه میزان حجم و ریسک؟ و ...

آیا معاملات روز قبل را آنالیز کرده اید؟

آیا شما معاملات روز قبل خود را آنالیز کرده اید؟ آیا تمامی آنها را دانه به دانه ثبت کرده اید؟ و آیا ژورنال معاملاتی خود را بروز رسانی نموده اید؟ آیا شما به تریدینگ پلن خود پایبند بوده اید؟ اگر خیر ! این امر چه تاثیری بر نتیجه فعالیتهای معاملاتی امروز شما داشته است؟ بعبارت دیگر، توانایی شما یا پایبند بودن به تریدینگ پلن در روز قبل تعیین کننده فعالیتهای معاملاتی شما در امروز است.

قالب شماره سیزده

کارهای روتین شده روزانه من برای آمادگی در روز بعد شامل ۴ بخش است که باید به آنها رسیدگی کنم:
(۱) بررسی معاملات روز قبل (۲) بازبینی پوزیشن های باز و بروز کردن تارگتها و نقاط استاپ (۳) باتوجه به ارزیابی های صورت گرفته آیا امروز حق ورود به بازار را دارم؟ (۴) برنامه ریزی ساعت به ساعت برای انجام معاملات امروز
در هر روز، من مطمئن می شوم که معاملات روز قبلم همگی ثبت و آنالیز شده اند و ژورنال معاملاتی من بروز رسانی شده است. علاوه بر این من تمام جوانب را بررسی می کنم که همه پوزیشن های من بر اساس سیستم معاملاتی ام باز شده و مدیریت می شوند. در صورتی که به قوانین معاملاتی ام پایبند نباشم، معاملات روز جدیدم را اصلاح می کنم و طبق قانون انضباطی شماره .... در تریدینگ پلن عمل خواهم کرد.

آیا شما پوزیشنی باز از روز قبل دارید؟

اگر به طور واضح در تریدینگ پلن خود معین نکرده اید که با پوزیشن های باز از روز قبل چه باید کرد، خواهش می کنم دست نگه دارید! حتما و حتما برای اینگونه موقعیت ها دستور العمل و قوانینی محکم داشته باشید. اگر شما یک معامله گر نوسانگیر یا موقعیتی هستید، براحتی ممکن است که از روز قبل پوزیشن بازی داشته باشید.

قالب شماره چهارده

اگر من یک پوزیشن باز از روز قبل داشته باشم: حتما تارگتها و حد زیان هایم را بروز می کنم، و مطمئن می شوم که تمامی دلایل برای ورود به پوزیشن در روز بعد فراهم باشد.

شرایط عمومی بازار چیست؟

آیا اخبار مهم تاثیر گذاری در روز بعد در بازار وجود خواهد داشت؟ شاخص های تاثیر گذار در آینده چیستند؟ آیا گزارشات اقتصادی کلیدی و مهمی قرار است بیرون بیایند؟ اگر آری زمان دقیق آن چیست؟

قالب شماره پانزده

قبل از هرگونه معامله کردن چک خواهم کرد: اول: شاخص های آینده را بررسی می کنم تا مطمئن شوم که آیا روند دار هستند و یا بدون روند و یا نوسان دارند. این یک هشدار مثبت/منفی است زیرا .... (دلایل شما) دوم: آیا گزارش های کلیدی اقتصادی با توجه به نوع بازار عرضه می شوند؟ اگر بلی زمان دقیق آن را یادداشت می کنم. سوم: ببینم که آیا شاخص هایی که از نظر من مهم هستند و کاملا به سیستم معاملاتی من اختصاص دارند منتشر می شوند یا خیر؟ اگر بلی زمانی دقیق آن را یادداشت می کنم.
از استراتژی های معاملاتی من انجام معامله براساس این گونه اخبار و گزارشات است. با این حال من هرگز در ۱۵دقیقه اول انتشار این اخبار هرگز ترید نخواهم کرد تا واکنش بازار را نسبت به آنها مشاهده کنم. این روش کمک خواهد کرد تا اطمینان حاصل بشه که معاملات براساس آن چیزی است که مشاهده می شوند نه آن چیزی که فکر می شود.

چه وظایفی باید امروز انجام دهید؟ ساعت به ساعت.

اگر شما برای ساعت به ساعت در طول روز معاملاتی خود برنامه ریزی نداشته باشید، شانس موفقیت تان بسیار پایین خواهد آمد. این کار می تواند نتایج فرصتهای از دسته رفته، یا بدتر از آن معاملات خارج از استراتژی معاملاتیتان را ثبت نماید و از ایجاد خستگی در معاملات بکاهد. ایجاد یک ساختار در طول روز تشویق کننده نظم و انضباط معاملاتی خواهد بود. و این حفظ تمرکز بر نظم و انضباط میزان بهره وری شما را بالاتر خواهد برد.

قالب شماره شانزده

بعنوان یک معامله‌گر روزانه من یک دفترچه ثبت خاطرات دارم که ساعت به ساعت حرکات بازار را در آن ثبت میکنم. قبل از ساعت ۱۲ظهر زمانی است که من به استراحت و چک کردن موضوعات در وب سایت ..... می پردازم. ۱۲ ظهر ناهار می خورم، ۱بعد از ظهر وظایف مشخص شده قبل از بازار را انجام می دهم که در قسمتهای قبلی به آن اشاره شد. در ساعت ۲ بعد از ظهر آماده میشوم برای باز کردن پوزیشن هایم، گپهای قیمتی را جستجو می کنم و هشدارها را نصب می نمایم. در ساعت ۲:۳۰ دقیقه بعد ازظهر پوزیشنهایم را باز می کنم. و ... می توانید این ساعات را ادامه دهید و وظایف هر کدام را یادداشت نمایید.

کدام وسایل معاملاتی در فهرست نظارت قرار دارند؟

در نهایت پس از گذران تمام مراحل فوق شما می توانید شروع به معامله نمایید. تمامی وسایل معاملاتی خود را بررسی نموده و نتایج را با توجه به استراتژی معاملاتی تان تفکیک نمایید. شما کارمند خود هستید. هیچ کس دیگری برای شما اینکار را نخواهد کرد. بعنوان مثال اگر یک معامله گر روزانه هستید، شاید شما با توجه به استراتژی بازگشت اصلاحی قیمت پوزیشن خود را باز کرده و بر اساس استراتژی شکست خطوط حمایت و مقاومت پس از حدود گذشت یکساعت و نیم پوزیشنتان را مدیریت کنید و . . . مطمئن شوید که تمامی اینها را بررسی کرده اید.

قالب شماره هفده

من هشدارهای شنیداری و بصری را بر روی چارت برای دریافت سیگنال های ورود و خروج تنظیم می کنم و سپس چارتهایم را بروز رسانی می کنم و نقاط کلیدی بازگشتی و خطوط حمایت و مقاومت روز قبل به همراه مقدار باز شدن، بالا و پایین بسته شدن بازار را معین می کنم.

ریسک و مدیریت سرمایه

به جرات می توان گفت که این بخش از مهمترین قسمتهای این کتاب می باشد. عدم رعایت قوانین مدیریت مالی و ریسک، تقریبا به طور قطع سرمایه شما را نابود خواهد نمود.

در ابتدا اجازه دهید تفاوت بین ریسک و مدیریت مالی را شرح دهیم.
مدیریت ریسک یعنی: تمرکز بر اقدامات لازم برای به حداقل رساندن زیان با ارزیابی شرایط بازار، میزان سود به زیان احتمالی، و استفاده از دستورات توقف زیان (Stop Loss).
اما مدیریت سرمایه یعنی: تمرکز کردن بر مراحل موفقیت یک پوزیشن باز تا افزایش سود، به کمک روشهای جابجایی استاپ ها وتنظیمات حجم پوزیشن ها.

که اینها همگی از بدیهیات یک تجارت موفق می باشند. زیانهایتان را متوقف کنید (مدیریت ریسک) و به سودهایتان اجازه پیشرفت دهید (مدیریت سرمایه)

کلیات مدیریت سرمایه

نگرش شما نسبت به ریسک چیست؟

این سئوال ممکن است کمی عجیب و غریب به نظر برسد، اما نقطه شروع خوبی است برای اینکه از احساسات خود در مورد ریسک معاملات مربوط به تریدینگ پلن خود مطلع شوید.
David S.NASSAR در کتاب خود "چگونه شروع به معاملات الکترونیکی روزانه کنیم؟" می گوید: اینگونه تصور می کنم که بازارهای مالی همانند یک راکتور هسته ای است! و حرارتی که از این راکتور تشعشع می شود بسیار برای شما زیان بار است. ریسک بازار به میزان زمانی که شما در آن حضور دارید، اندازه گیری می شود. می تواند ثانیه، دقیقه، ساعت، روز یا هفته باشد. هر چه مدت زمان حضور شما در بازار بیشتر باشد، شانس ایجاد اشتباه در شما بیشتر می شود. بنابراین سبک تجارت است که شما را در بازار بیشتر نگه خواهد داشت که می تواند پر مخاطره ترین باشد.
بسیاری از معامله گران کاملا با این موضوع اختلاف نظر دارند و وقتی پوزیشن های بلندمدت را مدیریت می کنند احساس شادابی و آرامش بیشتری می کنند.

قالب شماره هجده

نگرش من نسبت به ریسک می تواند به این صورت خلاصه شود . . .
من از ریسک متنفر هستم و همیشه بدنبال به حداقل رساندن آن می باشم. برای این منظور از طریق متنوع کردن و رعایت مو به مو قوانین مدیریت ریسک در تریدینگ پلنم سعی می کنم به این مهم دست یابم.

ریسک کلی بازار چیست؟

اکنون تصمیم بگیرید که حداکثر سرمایه ای که می توانید در معرض ریسک قرار دهید چه میزان است؟
همیشه برای بدترین حالات آماده باشید. در صورتی که یک سقوط ناگهانی در بازار مانند سال ۱۹۸۷ صورت پذیرد و یا یک حمله تروریستی بزرگ مانند ۱۱ سپتامبر به وقوع بپیوندد، ممکن است بخش عظیم و یا کل سرمایه شما را به نابودی بکشاند.
بیشتر معامله گران هرگز بیش از ۱% سرمایه خود را در هر معامله ریسک نمی کنند. و یا در صورتی که موقعیت های بیشتری را بخواهند باز کنند. مجموع ریسک آنها هرگز بیش از ۵% کل سرمایه نخواهد شد.
بعبارت دیگر اگر تمامی پوزیشن های باز شما به طور همزمان استاپ بخورند، افت سرمایه در حساب شما از ۵% کل سرمایه تان تجاوز نکند. این یک اتفاق زننده است، اما فاجعه نیست.

قالب شماره نوزده

حداکثر ریسک سرمایه ای که من در بازار دخیل می کنم، همیشه از ۵% سرمایه ام تجاوز نخواهد کرد.

ریسک های سخت افزاری و کارگزاری چه هستند؟

فرض کنید که کارگزار شما نابود شود و راهی برای شما وجود نداشته باشد تا پوزیشن های باز خود را ببندید! سناریو شما برای عبور از این بحران چه خواهد بود؟
به طور مشابه، شما چه عکس العملی نشان خواهید داد وقتی که کامپیوتر شما منفجر شده و تمامی داده های شما نابود گردد؟ (البته این یک احتمال بسیار نادر است)

قالب شماره بیست

کارگزار اصلی من .... است و کارگزار پشتیبان من .... می باشد. در شرایط اضطراری هنگامی که کارگزار اصلی من با مشکل ثبت سفارش مواجه شود، من از طریق کارگزار پشتیبانم قادر به مدیریت پوزیشنها و حسابهایم خواهم بود.
و اگر کامپیوتر من نابود شود، من یک کامپیوتر پشتیبان خواهم داشت با یک ارتباط اینترنتی Dialup (که امروز در همه جا به راحتی یافت می شود). و همیشه یک سی دی پشتیبان از داده هایم در پایان هر هفته تهیه می کنم. بعلاوه من یک نسخه از نرم افزار معاملاتی ام بر روی موبایلم که همیشه شارژ کافی داشته باشد خواهم داشت. ضمنا تمامی شماره تلفن های پشتیبانی کارگزاری هایم را در یک دفترچه تلفن دستی یادداشت کرده ام تا در مواقع اضطراری بتوانم به آنها دسترسی داشته باشم و از آنها راهنمایی بگیرم.

ریسک استراتژی چیست؟

بازارها همیشه درحال تغییر و تحول هستند. در صورتی که یک استراتژی این ماه یا امسال برای ما سود خوبی داده هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت تا در ماه یا سال بعد به همان میزان سود ده باشد. و شاید هم برعکس زیان ده باشد! تنها راه منطقی این است که پس از بسته شدن بازار نسبت به بررسی استراتژی و بهینه سازی آن اقدام شود که در بخشهای بعدی به آن خواهیم پرداخت.
بنابراین همیشه باید این آمادگی را داشته باشید که ممکن است استراتژی جادویی شما روزی دیگر سود ده نباشد و بایست همیشه آن را تست و کنترل نمایید و این کار تنها با اندازه گیری درصد بزرگترین افت سرمایه قابل بررسی است. که می توان ضریب ۱/۵ تا ۲ برای بیشترین افت سرمایه در نظر گرفت که در صورت عبور از این عدد باید بلافاصله معامله به استراتژی تان را متوقف کنید و به بررسی علت این افت بپردازید، که اگر این علت از تغییرات بازار نسبت به استراتژی شما بود، حتما و حتما نسبت به بهینه سازی استراتژی معاملاتیتان اقدام نمایید.

قالب شماره بیست و یک

من به صورت دائم افت سرمایه استراتژی معاملاتیم را بررسی می کنم. در صورتی که این رقم از ۲% سرمایه ام بیشتر شده بود، من دیگر معامله ی جدیدی را آغاز نخواهم کرد و به سرعت به بررسی و در صورت لزوم بهینه سازی استراتژی ام خواهم پرداخت.

مدیریت ریسک خاص

احتـــــــمال

هنگامی که صحبت از ارزیابی اختصاصی ریسک در ارتباط با معاملات پیشنهادی، می شود، بسیاری از معامله گران تمرکزشان را بر نسبت ریسک به موفقیت قرار می دهند. متاسفانه، این طرز تفکر کمی بی معنی است! مگر اینکه این فاکتور به صورت احتمالی در نظر گرفته شود. دلیلی که می توان برای این ادعا داشت این است که: فرض کنید که نسبت ریسک به موفقیت ۱/۴ باشد، یعنی به عبارتی دریافت ۸۰ پیپ به ازای از دست دادن احتمالی ۲۰ پیپ. در حالت ایده آل، این عالی به نظر می رسد. با این حال اگر این تنها احتمال موفقیت در یک معامله باشد، می توان گفت که احتمال زیان این معامله ۲۰% است و احتمال موفقیت ۸۰%. به نظر شما آیا با همین یک فاکتور معامله گری جذاب به نظر می رسید؟

برای اینکه احتمال موفقیت استراتژی معاملاتی مان بالا برود نیاز داریم که ستاپ های معاملاتی[1] برای آن تعریف کنیم. که باید بسیار دقیق، شفاف و بدون ابهام باشد. هنگامی که این ستاپ ها در زمانهای واقعی و با پول واقعی اجرا می شوند، بسیار موضوع حیاتی خواهد شد.
وقتی که ستاپ ها تعریف می شوند، بایست در نمودار قیمتها در گذشته و حال، تست گردند تا برای ما قطعی شود که احتمال موفقیت آنها بیش از شکست شان می باشد. در موقعیت های پیچیده، متغیرهای متعددی وجود دارد، که تاثیر بسیاری بر نتایج معاملات خواهند گذاشت. سعی کنید هنگامی که دارید از سیستم تان تست گذشته[2] می گیرید، این متغیرها را شناسایی کرده و رفتار مشترک آنها را در چندین موقعیت تعیین نموده و آنها را همانند یک بسته از پیش تعریف شده ایزوله نمایید.
بعنوان مثال ممکن است یک ستاپ را با بالا بردن از محدوده قیمتهای رند (در موقعیت های خرید) احتمال

---

[1] ستاپ معاملاتی: حالتهای قیمتی از قبل تعریف شده ای هستند که با مشاهده آنها بر روی چارت علامت گذاری شده تا در صورت برقراری شروط معامله، وارد پوزیشن شده و یا آن را مدیریت کنیم.

[2] Back Test

موفقیتش را بیشتر از زمانی بکنیم که در زیر محدوده قیمتهای رند قرار داشت.
سعی کنید قضایا را ساده نگاه کنید. در باتلاق جزئیات استراتژی تان فرو نروید و گرفتار نشوید. به عبارتی دیگر هنگام تعریف نقاط ورود و خروج و استراتژی خروج اضطراری سیتسم معاملاتی تان سعی کنید آنها را پیچیده و سخت نکنید و خیلی راحت تعریف های صحیحی برایشان داشته باشید.
در نهایت اگر ستاپ های تعریف شده به اندازه کافی دقیق بوده و بسیار دقیق تست گردیده باشند، می توان یک نسبت موفقیت به زیان برای آنها تعریف نمود. که قاعدتا این نسبت باید به نفع موفقیت در معاملات باشد. این نسبت به "نسبت موفقیت" مشهور است که از تقیسم تعداد معاملات موفق بر تعداد معاملات ناموفق ضرب در ۱۰۰ بدست می آید.

قالب شماره بیست و دو

ستاپهای معاملاتی من عبارتند از . . .
که به وضوح در بخش .... سیستم معاملاتی من تعریف شده اند. من کاملا با آنها آشنا هستم و میتوانم در زمان واقعی فورا آنها را در نمودار قیمت اجرا نمایم. در معاملات دمـــو در گذشته و حال تست گرفته شده است که احتمال موفقیت آنها N% برآورد شده است.

نسبت ریسک به پاداش چیست؟

برای تعریف نسبت ریسک به پاداش بایستی نسبت یا احتمال نسبت موفقیت را بدانیم. که در قسمت قبلی توضیح داده شد.
همچنین باید نسبت "شارپ" را نیز بدانیم.
نسبت "شارپ" عبارت است از متوسط تعداد $ کسب شده در معاملات سودآور به متوسط تعداد $ از دست داده شده در معاملات زیان ده. که اگر در عدد ۱۰۰ ضرب شود، درصد "شارپ" معین می شود.

اجازه دهید مثالی برای شما بیاورم. فرض کنید که ما یک نسبت موفقیت ۱ به ۲ داریم با احتمال موفقیت ۶۶% و همچنین نسبت شارپ ۱/۵ به طوری که اگر ما در موقعیت ریسک ۴۰ دلاری قرار بگیریم، نسبت موفقیت ما ۶۰ دلار خواهد بود.
در مثال بالا نسبت موفقیت به ما میگوید که از هر ۳ معامله ۲ معامله پیروز خواهیم داشت، و نسبت شارپ به ما می گوید که از ۲ معامله موفق ما میتوانیم ۱۲۰ دلار بسازیم. ۲ * ۶۰ = ۱۲۰
و سومین معامله از دست رفته به ارزش ۴۰ دلار خواهد بود. در تمام ۳ معامله ما ۴۰ دلار ریسک کردیم و در

نهایت ۸۰ دلار سود خالص دریافت کردیم.
بنابراین اگر ما سود خالص بدست آورده را به ریسک موجود تقسیم کنیم، نسبت ریسک به پاداش ۲ به ۱ بدست خواهد آمد.
با این حال بعنوان یک نکته این را در نظر داشته باشید که: در تمامی مراحل فوق ما فرض کردیم که تمامی معاملات ما براساس ستاپ های تعریف شده استراتژی معاملاتیمان است که قبلا توسط خودمان تست گذشته و تست رو به جلو از آنها گرفته شده است که احتمال موفقیت آنها معین شده است.

قالب شماره بیست و سه

من از ستاپ هایی که در استراتژی معاملاتیم تعریف شده اند، تست رو به جلو و تست گذشته گرفته ام و نتایج برایم کاملا واضح شده است. نسبت موفقیت استراتژی ام ۲ به ۱ یا بهتر از آن است. و نسبت شارپ نیز ۱/۵ یا بهتر محاسبه گردیده است. بنابراین نسبت ریسک به پاداش استراتژی معاملاتی من ۱ به ۲ و یا بهتر از آن است.

ریسک در هر معامله چیست؟

واقعیت این است که ۹۹% موارد پیش بینی جهت بازار، بی فایده است. اگر شما ۱۰۰% موجودی حسابتان را در یک معامله ریسک کنید، چه خواهد شد؟ شاید شما بتوانید شانس بیاورید، اما سرانجام همه سرمایه تان را از دست خواهید داد. بیشتر معامله گران هرگز بیش از ۱% مجموع موجودی خود را در هر معامله ریسک نمی کنند. مگر آنکه میزان سرمایه آنها بسیار کوچک باشد که در اینصورت نباید بیش از ۳% سرمایه در هر معامله ریسک نمود.

قالب شماره بیست و چهار

در هر معامله ای که من وارد می شوم، هرگز بیش از ۲% موجودی حسابم را ریسک نخواهم نمود. برای هر معامله من یک نقطه استاپ مناسب را با توجه به سیستم معاملاتیم پیدا کرده و فاصله نقطه ورود تا استاپم را بررسی می کنم که این فاصله می شود حد زیان من و نباید این حد زیان از ۲% موجودی حسابم بیشتر باشد.

مکان حد ضررهای[1] شما در پوزیشن هایتان کجاست؟

تمامی معاملات شما بایستی دارای حد زیان باشد. حتی اگر شما یک معامله گر حرفه ای در بازار فارکس می باشید.
هرگز از حد زیانهای ذهنی استفاده نکنید! مثلا: هنگام باز کردن پوزیشن به خود می گویید که من برای پوزیشنم استاپ اتوماتیک قرار نمی دهم، اما اگر قیمت مثلا به فلان نقطه رسید از پوزیشن خارج می شوم. اگر چه این کار ممکن است، اما هرگز نمی توانید به درصد ثابتی از ریسک دست یابید مثلا ۲% از سرمایه.
اگر استراتژی معاملاتی شما این است که در برگشت ها[2] معامله کنید و در استراتژی خود قید کرده اید که حد زیان شما در بالا/پایین کندل برگشتی قرار داشته باشد، پس این همان جایی است که باید استاپ را قرار دهید، چرا در ذهن خود مکانی جدید برای آن در نظر می گیرید؟!
حد ضررها برای محدود کردن پتانسیل ضرر، در صورتی که معامله بر خلاف جهت شما حرکت کند، به کار میرود. این سطحی است که در آن معامله ای را خواهید بست، بر این اساس که در جهت "غلط" خیلی دور شده است، و بنابراین، بودن در معامله، نتیجه اش برای شما منفی خواهد بود.
اگر شما حد ضررها را در معاملات خود بکار نبرید، نخواهید توانست مدت زیادی به معامله کردن ادامه دهید – و در زمان کوتاهی حساب معاملاتی خود را نابود خواهید کرد. به سادگی یک ضرر ۳۰۰ دلاری میتواند تبدیل به یک ضرر ۵۰۰ دلاری شود. یک معامله گر خوب می داند که چه موقع با ضرر کم خارج شود و منتظر معامله بعدی بماند.
بخاطر داشته باشید که سرمایه معاملاتی شما حرفه شماست، اگر آن را از بین ببرید هیچ بیمه ای وجود ندارد. تصمیم با شماست. همان موقع که وارد معامله می شوید، بلافاصله حد ضرر را قرار دهید. این برای شما ایمنی را فراهم می کند تا همه حسابتان را از دست ندهید.

قالب شماره بیست و پنج

در تمام معاملاتی که من وارد خواهم شد، قبل از آن محدوده حد زیانم را با توجه به استراتژی معاملاتیم معین خواهم کرد، تا سرمایه ام را از نابودی حفظ کنم. من بر اساس یک مقدار دلاری ثابت مثلا ۲۰ دلار در هر معامله حد زیانم را قرار می دهم.

---
[1] Stop Loss
[2] pullback

چه هنگام پوزیشن باز شده خود را متوقف خواهید کرد؟

اینکه بدانید چه هنگام معاملات خود را ببندید، بسیار برای شکل گیری نظم و انضباط در معاملات و همچنین برای بهبود مدیریت ریسک، مفید خواهد بود. علاوه بر آن از ضرر و زیانهای پشت سر هم در طول روز و همچنین حرص و طمع ناشی از موفقیت در چند معامله پی در پی، جلوگیری می کند.
هر روز که یکی از شرایط ذیل بوجود آمد، شما باید از معامله کردن دست بکشید:

۱. روزی که در آن موفقیت کسب کردید و معاملات موفق و سود دهی داشتید. شما باید یک قانون ساده و قابل اجرا داشته باشید که وقتی پوزیشن (های) شما به تارگت برخورد کرد و سود مورد نظر را دریافت کردید، آنگاه از پوزیشن (ها) خارج شده و دیگر هیچ معامله ای را انجام ندهید. سیستم تان را خاموش کنید و از سود کسب شده لذت ببرید و تا روز بعد دیگر هیچ پوزیشنی را باز نکنید.
۲. روزی که در آن زیان کردید و معاملات ناموفق و زیان دهی داشتید. شما باید در آن روز دست از معامله کردن بکشید و به تفریح و تجدید قوا بپردازید. شاید آنروز استراتژی معاملاتی شما با شرایط بازار سازگار نیست و شما پی در پی ضرر خواهید کرد و سرمایه و سودهای کسب شده قبل را نیز به بازار برخواهید گرداند.
۳. بعضی روزها اصلا شرایط معامله فراهم نیست! یا شما خسته هستید یا بازار شرایط مناسبی ندارد. سعی نکنید بزور اقدام به معامله کردن کنید، بلکه از بازار خارج شده و به مطالعه در مورد بازار بپردازید.

قالب شماره بیست و شش

به محض رسیدن به هدف روزانه ای که تعریف کرده ام، دست از معامله کردن خواهم کشید. درصورتی که دو معامله زیان ده پشت سرهم داشتم، حتی اگر به هدف روزانه ام دست نیافته بودم، از معامله کردن دست خواهم کشید. برای آنکه اطمینان حاصل کنم تا زیانهای من به حداقل می رسند، یک سقف مجاز زیان روزانه برای خود در نظر گرفته ام که ۳% کل موجودی است.
من در روزهایی که شرایط بازار با توجه به پلن معاملاتیم فراهم نباشد هرگز وارد معامله نخواهم شد و پوزیشنی باز نخواهم کرد.

کلیات مدیریت سرمایه

سود و زیان های بزرگ – عکس العمل شما چیست؟

سرمایه تجارت شما باید پولی باشد که استطاعت از دست دادن آن را داشته باشید. و باید جدا از هزینه های روزمره شما باشد. این یعنی اینکه اگر ضرر زیادی در معاملات شما صورت بگیرد، نبایست در زندگی عادی شما خدشه ای وارد کند.

کدام ابزار مدیریت سرمایه را بکار می گیرید؟

هنگامی که شما معاملات را با یک حساب کوچک شروع می کنید، مثلا ۵۰۰۰ دلار یا کمتر، اهداف شما چه هستند؟ بعنوان مثال قصد دارید که براساس الگوهای روزانه معامله کنید، برای آنکه حساب شما به ۲۵۰۰۰ دلار برسد باید ۳۵۰% رشد کند و این میزان رشد، ریسک بالایی را به حساب شما در هر معامله وارد خواهد کرد. لذا باید استراتژی خود را تغییر دهید و یا یک رویکرد کاملا متفاوتی را در خصوص اهداف مالی خود با این حجم سرمایه اندک تعیین نمایید.

قالب شماره بیست و هفت

هنگامی که حساب من شروع به رشد نمود، من این اقدامات را انجام خواهم داد . . .
اندازه پوزیشن هایم را با توجه به باقیمانده حداکثر ریسک مجاز تعریف شده در استراتژی ام افزایش خواهم داد.

مدیریت سرمایه خاص

آیا شما در سود قفل شده اید؟

بکاربردن حالت جابجایی استاپ[1] برای تثبیت سود پوزیشنی که وارد سود شده است، دارای دو مزیت می باشد:

۱. در بدترین حالت این احتمال وجود دارد که پوزیشن شما بدون سود و زیان بسته شود.
۲. در بهترین حالت شما قدم به قدم با قیمت حرکت کرده و سود خود را تثبیت می کنید.

[1] Trailing Stop

قالب شماره بیست و هشت

من از ابزارهای جابجایی استاپ استفاده می کنم هنگامی که پوزیشن من . . .
به اندازه n پیپ پایین تر از پایین بالاتر[1] در روندهای صعودی قرار میگیرد و در روندهای نزولی به اندازه n پیپ بالاتر از بالای پایین تر[2] قرار داشته باشد.

چگونه اندازه پوزیشن خود را تعیین می کنید؟

اندازه پوزیشن های شما بایست از قوانین مدیریت ریسک شما پیروی کند. برخی از استراتژی ها ممکن است احتمال بالایی از موفقیت را داشته باشند. (بعنوان مثال استراتژی دنبال کننده روند) که این توانایی را به شما می دهد تا موقعیت های تهاجمی تری را در هنگام ورود داشته باشید. برخی دیگر از استراتژی ها ممکن است احتمال موفقیت کمتری را برای شما داشته باشند (بعنوان مثال استراتژی برگشت قیمت).
بنلراین باید در مدیریت ریسک خود شرایط محافظه کارانه تری را دیکته کنید. به هر حال هنگامی که یک معامله در یک روند جدید آغاز می شود اضافه کردن یک پوزیشن جدید هنگام دریافت سیگنال هم جهت، ممکن است سودمند باشد. به طور بالقوه، این روش اجازه می دهد که حجم پوزیشن شما افزایش یافته در حالی که ریسک معاملاتی شما پایین بیاید.

قالب شماره بیست و نه

من یک اسکالپر هستم، بنابراین این رویکرد برای من مفید نیست! . . .
من یک معامله گر نوسانها هستم. بنابراین من به حجم پوزیشنم اضافه خواهم کرد هنگامی که یک الگوی ABC در جهت روند تشکیل شود.

---

[1] Lower High
[2] Higher Low

استراتژی خروج

استراتری های خروج معمولا از استراتژی های ورود کمی پیچیده تر و سخت تر هستند. اما متاسفانه بسیار مهمتر از آنها می باشند. زیرا، به طور آشکار آنها سود و زیان شما را کنترل می کنند. اگر شما با بیش از یک استراتژی معامله می کنید، بایست برای هر یک از استراتژی های خود به هر یک از این سئوالات پاسخ دهید، زیرا ممکن است استراتژی های متفاوتی در ورود داشته باشید که نیازمند بکارگیری استراتژی های خروجی متفاوت است.

مسلما یکی از بهترین استراتژی های خروج برای معامله گران استفاده از موقعیت های پویای بازار است. که این درست در مقابل استراتژی های سفت و سخت و مکانیکی است که شرایط را به معامله گر تحمیل می کند بدون در نظر گرفتن موقعیت فعلی قیمت. تفاوت بین این دو را با یک مثال توضیح می دهیم:
فرض کنید که یک استراتژی مکانیکی در اختیار دارید که نسبت سود به زیان آن ۳ به ۱ می باشد. بنابراین اگر ریسک معاملاتی شما ۳۰ دلار باشد، بلافاصله از پوزیشن خارج خواهید شد زمانی که به سود ۹۰ دلاری برسید و یا ۳۰ دلار ضرر کنید. هرکدام که ابتدا فرا برسد، ۳۰ دلار ضرر یا ۹۰ دلار سود. خیلی ساده است.
اگر درصد موفقیت شما با این استراتژی حداقل ۲۶% باشد می توان گفت که روندی سود ده خواهید داشت. نه به طور قطعی اما به احتمال خیلی زیاد. این مورد را هم در نظر داشته باشید که در صورت استفاده از خروجیهای مکانیکی (قوانین خشک و غیر قابل انعطاف) چنانچه بخواهید منافع بیشتر از ۹۰ دلار را بدست بیاورید، تعداد انگشت شماری از معاملات برنده از دست شما خواهند رفت.
خروجی های پویا در بازار شما را قادر می سازد تا سود بیشتری را از بازار بدست آورید. این سود اضافی می تواند استراتژی معاملاتی را بسیار مستحکم کرده و به یک سیستم سودآور تبدیل کند.

از دست دادن معاملات – آیا شما از پوزیشن خارج می شوید قبل از آنکه استاپ تان بخورد؟

برخی از استراتژی ها وجود دارند که در قوانین خروج آنها ذکر شده که فقط باید استاپ پوزیشن شما توسط قیمت لمس شده باشد تا پوزیشن بسته گردد. مزیت این روش این است که به شما اجازه می دهد در صورتی که قیمت حرکتی اضافی در جهت پوزیشن شما داشته باشد، شما از آن حرکت اضافی پیش بینی نشده سود کسب کنید. بنابراین همیشه مطمئن هستید، در صورتی که پوزیشن شما به سود نشست، از آن حرکت قیمت حداکثر سود قابل کسب شده در استراتژی خود را خواهید گرفت.

قالب شماره سی

اگر قیمت ها برخلاف تحلیل من حرکت کرد، استراتژی خروج من این اجازه را به من می دهد . . .
در صورتی که شرایط بند ... قوانین معاملاتی من بوجود آمد، پوزیشن بسته خواهد شد.

معاملات زیان ده – کدام سیگنال ها به من خواهند گفت که از پوزیشن زودتر از موعد خارج شوم؟

چه سیگنالهای دقیقی مورد نظرتان است تا قبل از آنکه استاپ معین شده شما در پوزیشن بخورد، از معامله باز شده خارج شوید؟ بعبارت دیگر شما دلایلی برای خود دارید تا قبل از خوردن حد زیان تان از پوزیشن خارج شوید؟

قالب شماره سی و یک

اگر قیمتها بر خلاف انتظار من حرکت نمود و پوزیشنم به زیان رفت، زمانی از پوزیشن قبل از خوردن استاپ خارج خواهم شد که . . .
اگر قیمت کمتر از اندازه کندل قبل از ورود من به پوزیشن، به بالا/پایین حرکت نکرد، و سپس تمایل به برگشت نمود، قبل از آنکه پوزیشنم استاپ بخورد از آن خارج خواهم شد.

معاملات موفق – در صورت مشاهده کدام سیگنال باید از پوزیشن به طور کامل خارج شوید؟

زمانهایی وجود خواهد داشت که بهتر است هر چه سریعتر از پوزیشن خارج شوید! شما بایست برای آن زمانها آماده شده باشید. بایست برای خود سیگنال هایی را تعریف کنید که در صورت مشاهده آنها بلافاصله از پوزیشن خارج شوید.

قالب شماره سی و دو

من بلافاصله از پوزیشن به طور کامل خارج خواهم شد، هنگامی که قیمتها به اندازه N پیپ بالاتر یا پایین تر از خط میانگین متحرک من بسته شود.

معاملات موفق – در صورت مشاهده کدام سیگنال باید نصف پوزیشن را خارج شوید؟

یک روش محبوب وجود دارد و آن این است: هنگامی که قیمت ها به هدف اولیه شما رسیدند، نیمی از حجم پوزیشن را خارج شوید و نیمی دیگر از حجم پوزیشن را باز نگه داشته تا رسیدن قیمتها به اهداف بعدی. لذا شما بایست برای این منظور هم قوانینی مشخص داشته باشید.

قالب شماره سی و سه

من نصفی از حجم پوزیشنم را خواهم بست زمانی که پوزیشنم به مقدار N% از اندازه کندل شکست وارد سود شود.

معاملا موفق – در صورت برقراری چه شرطی شما باقیمانده حجم پوزیشن خود را نیز می بندید؟

حتی اگر تمامی استراتژی های خروج خود را تعریف کرده و مو به مو آنها را اجرا نمایید، باز هم موفقیت استراتژی شما به قسمت دوم قوانین خروجی شما در معاملات موفق بستگی خواهد داشت و آن اینکه، بالاخره در صورت وجود چه شرایطی بایست الباقی حجم پوزیشن خود را ببندید؟

قالب شماره سی چهار

من نیمه دوم حجم پوزیشنم را زمانی خواهم بست که . . .
در پایان روز، بر اساس تحلیل هایم در روزهای روند دار، اندیکاتورهای من بالاترین سقف یک روند را به من نشان دهند.

استراتژی های معاملاتی، ستاپ ها، نقاط ورود

استراتژی ها با توجه به شرایط بازار، زمان معاملات و تایم فریم معاملاتی متفاوت هستند. تقریبا تمامی استراتژی ها به یکی از این سه گروه تعلق دارند: شکستها[1]، حرکتهای اصلاحی[2] و حرکتهای بازگشتی[3].
تمامی استراتژی های شخصی که با نامهای فانتری و عجیب و غریب مشاهده می شوند، در این سه گروه واقع می شوند، که بعضی از آنها نیز بسیار مشهور هستند. بعنوان مثال: استراتژی شیرجه صوتی انفجاری[4] یک نوع استراتژی حرکتهای اصلاحی است که توسط "ون کی تارپ[5] " طراحی شده است. "تارپ" در کتاب خود تحت عنوان "آزادی مالی از طریق تجارت الکترونیک روز" می نویسد: "که این گونه نام گذاریها بیشتر بخاطر این است که روش و سبک معامله گری در ذهن معامله گر نقش بسته و باقی بماند".

با کدام استراتژی معامله خواهید کرد؟

بیشتر معامله گران حرفه ای حداقل از دو استراتژی معاملاتی در معاملات خود بهره می برند. یکی در بازارهای روند دار و دیگری در بازارهای بدون روند.

قالب شماره سی و پنج

استراتژی معاملاتی اولیه من برای بازارهای بدون روند طراحی شده است. که عبارت است از . . .
استراتژی حرکتهای اصلاحی، معامله در بازار سهام هنگام گپ های تشکیل شده در زمان باز شدن بازار. فرض بر این است که بازار به اخبار واکنش نشان خواهد داد، چه واکنش مثبت باشد چه منفی که باعث تبدیل شدن قیمت به یک پتانسیل حرکتی قوی می شود، پس از آن به یک سطح تراز میرسد و شکاف اغلب پر می شود.
دومین استراتژی معاملاتی من برای بازارهای دارای روند طراحی شده است، عبارت است از . . .
شامل استراتژی شکست است، که هدف آن گرفتن یک حرکت روند دار احتمالی تشکیل شده می باشد

---
[1] Break out
[2] Pullbacks
[3] Retraces
[4] The Sonic Boom Dive
[5] Van K. Tharp

ستاپ های شما چه هستند؟

ستاپ ها مجموعه ای از ویژگی هاست که شما را قادر می سازد که یک معامله با احتمال موفقیت بالا را شناسایی و علامت گذاری نمایید. سعی کنید اجزاء تشکیل دهند ستاپ هایتان بسیار ساده و قابل فهم باشند. تا بتوانید آنها را با سرعت در چارت رسم کرده و بکار برید. بسیار مهم است که تنظیمات ستاپ های خود را به صورت واضح و روشن تعریف کنید، و آنها را کاملا تست نمایید، قبل از اینکه در معاملات واقعی از آنها استفاده کنید. این یکی از وجود تمایز یک معامله گر قمار باز با یک معاله گر حرفه ای است.

قالب شماره سی و شش

ستاپ های معاملاتی من برای استراتژی اولیه ام شامل عناصر ذیل است:

۱. باز شدن بازار با گپ حدود ۱ درصد الی ۳ درصد
۲. میانگین متحرک ۵۰ روزه بایست بطور واضح در جهت پوزیشن باشد
۳. گپ ها بعنوان منطقه حمایت و مقاومت تلقی می گردند و نبایست توسط قیمت شکسته شوند.
۴. شواهد و مدارک قوی در خصوص وجود حجم در بازار وجود داشته باشد.

ستاپ های معاملاتی من برای استراتژی دوم شامل عناصر ذیل است:

۱. قیمت باید به وضوح در یک روند صعودی یا نزولی قرار داشته باشد با توجه به تعریفی که در خصوص روند در تدینگ پلن شده است.
۲. قیمت باید به وضوح High یا Low روز قبل خود را شکسته باشد و یک High و Low جدید را ثبت نماید.
۳. قیمت یک برگشت موقت به سمت High یا Low روز قبل داشته باشد اما در آن نفوذ نکرده باشد.

شما ستاپهای پوزیشن خود را چگونه پیدا می کنید؟

اگر معاملات شما توسط یک یا دو اندیکاتور بررسی و تحلیل میشود، میشه گفت که ستاپ های آسان و راحتی دارید! اما اگر بعنوان مثال شما در بورس معامله می کنید، احتمالا بایستی برای پیدا کردن موقعیت های مناسب ورود یا همان ستاپ ها معیارها و شاخص های زیادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

قالب شماره سی و هفت

من ستاپ های پوزیشن خود را به این روش پیدا می کنم . . .
توسط نرم افزاری که کارگزاری من در اختیارم قرار داده و از طریق وب سایت مرجع .... معیارهای ورودی خود را بررسی و نسبت به نصب آنها بر روی چارت اقدام می کنم.

چه شرایطی بایست از نظر شما وجود داشته باشد تا ماشه ورود به پوزیشن را بکشید؟

اظهارات روشن، دقیق و مختصر از مشخصات یک تریدینگ پلن خوب است. در پاسخ به سئوالات بالا، خیلی مهم است که ابهامی در جایی وجود نداشته باشد. بعبارت دیگر، اگر ۱۰۰ معامله گر، پاسخ این سئوالات را بخوانند بدون هیچ توضیح شما باید هر ۱۰۰ نفر آنها بتوانند در یک نقطه و در یک زمان وارد پوزیشن شوند. آیا می توانند؟ پاسخ به این سئوال وضوح قانون ورود شما را معین می کند. این یک کار دشواری است اما شدنی و مفید است.

قالب شماره سی و هشت

برای استراتژی اولیه ام من زمانی وارد پوزیشن می شوم که . . .
در تایم ۵ دقیقه، قیمت بالای High روزانه قرار داشته باشد. برای پوزیشن های خرید و برای پوزیشنهای فروش قیمت پایین Low روزانه قرار داشته باشد.
و برای استراتژی دومم زمانی ماشه ورود را می کشم که . . .

بعد از آنکه بازار بسته شد

هنگامی که یک روز کاری معاملاتی شما به پایان رسید، بسیار وسوسه انگیز است که بخاطر موفقیت ها و سودهایی که کسب کرده اید یک نوشیدنی بنوشید و به جشن و شادی بپردازید و یا بخاطر شکستها و ضررهایی که صورت گرفته، در غم و غصه هایتان غرق شوید.
تریدینگ‌پلن شما ممکن است یا ممکن نیست اجازه دهد که اینگونه فعالیت ها را انجام دهید! در هر صورت بایستی در تریدینگ‌پلن خود روشهای بررسی موارد شکست یا پیروزی تعیین شده باشد.

آیا بصورت روزانه معاملات خود را یادداشت کردید؟

یادداشت کردن تمام معاملات خود، کاری است که همه معامله گران حرفه ای به طور معمول آن را انجام می دهند. یادداشت معاملات شما بایست شامل این موارد باشد: نقطه ورود، نقطه خروج، حد زیان، هدف یا هدفهای پوزیشن، خطوط حمایت و مقاومت، عدد باز شدن و بسته شدن، High و Low کندل روزانه، مدت زمان معاملات و درسهای کلیدی که از معاملات بدست آوردید.

قالب شماره سی و نه

بعد از آنکه بازارها بسته شدند، من این اقدامات را انجام می دهم . . .
۱) هر یک از معاملاتم را بررسی کرده و اطلاعات .... را یادداشت می کنم.
۲) در کنار چارت حاشیه نویسی می کنم برای مراجعات بعدی

آیا معاملات خود را بر اساس قوانین تریدینگ پلن انجام دادید؟

پاسخ دادن به این سئوال کمی ناخوشایند است. اینطور نیست؟! اگر شما به طور معمول معاملات خود را طبق برنامه اجرا نکنید، با توجه به تریدینگ پلن خود، در نهایت به احتمال زیاد با تریدینگ پلن یا نظم و انضباط معاملاتی، مشکل جدی پیدا خواهید نمود.
در هر صورت رویارویی با مشکلات همیشگی و غیر قابل کنترل است، اما نحوه برخورد با آن در اختیار شماست و می توانید آن را مدیریت و برنامه ریزی کنید.

قالب شماره چهل

علاوه بر اینکه من تمامی فعالیتهایم را در بازار یادداشت می کنم، نسبت به بررسی این موارد نیز اقدام می کنم . . .
بررسی و تایید می کنم که تمامی معاملات من بر اساس سیستم معاملاتیم صورت گرفته است. اگر اینگونه نبود، بررسی می کنم که دلیلش از سیستم معاملاتی من بوده یا از اجرا نکردن نظم و انضباط شخصی خودم. پس از یافتن دلیل، نسبت به رفع آن اقدام می کنم.

آیا ژورنال معاملاتی خود را تکمیل کردید؟

معامله کردن و احساسات همانند آب و روغن می باشند. هیچگاه نمی توان آنها را با یکدیگر ترکیب کرد و محلول جدیدی ساخت. تریدینگ پلن برای این طراحی شده تا به شما اطمینان دهد که معاملاتتان غیر احساسی صورت گرفته. اگر شما بخواهید با این موضوع مبارزه کنید، در نهایت به استراتژی های مکانیکی روی خواهید آورد.
ژورنال معاملاتی شما مکانی است که می توانید احساسات خود را در آنجا بیرون بریزید و آنها را بیان کنید. خب این کار چه مزیتی برای یک معامله گر دارد؟
اگر شما نسبت به بیرون ریختن احساسات خود در معاملات اقدام کنید، در مرحله اول باعث سبک شدن و تخلیه بار استرس ناشی از نگهداری آن در ذهن خود خواهید شد. سپس وقتی احساسات خود را یادداشت کردید، می توانید در آینده با مرورشان، آنها را طوری دیگر مشاهده کنید و متوجه می شوید که آن احساسات در آن لحظه کمی برای شما غیر قابل تحمل بوده و اکنون که پس از مدتی آن را میخوانید برایتان شاید مزحک و مسخره هم به نظر برسد. و این کوچک دیدن آنها باعث می شود که دیگر دچار آن استرسها و

احساسات نگردید. و یا هر زمان که به آنها دچار شدید، کوچک بودن آن بنظرتان می آید و می توانید براحتی از آنها عبور کنید تا بار دیگر معاملاتتان دچار تاثیر آن احساس نشود.

قالب شماره چهل و یک

من به طور مداوم افکار و احساساتم در خصوص باز کردن، بستن و مدیریت سرمایه و ریسک هر پوزیشن را در ژورنال معاملاتی ام یادداشت می کنم. من هر زمان که می خواهم پوزیشن باز کنم، بعد از آنکه تمامی مطالب گفته شده در خصوص ورود و خروج و مدیریت ریسک و سرمایه را رعایت کردم، نسبت به ثبت احساساتم در خصوص موقعیت پیش رو، در ژورنال معاملاتی ام اقدام می کنم.

انضباط

داشتن یک تریدینگ‌پلن جامع با جزئیات ورود و خروج و ریسک و مدیریت سرمایه عالی، به هیچ دردی نخواهد خورد اگر نظم و انضباط در اجرای آنها نداشته باشید.
این‌در مورد آن است که شما را مجاب کند تا به شدت به تعهداتی که به خودتان در گذشته داده اید بچسبید. این بخش را به سیستم معاملاتیتان اضافه کنید تا ببینید که کسب سود در طول دوره نسبتا ساده است. با این حال این یک آزمون واقعی خواهد بود زمانی که معاملات شما خوب پیش نمی رود و شما با وجود این به تعهدات خود و قوانین معاملاتیتان پایبند هستید.

تست گذشته یا تست رو به جلو؟

قبل از آنکه تجارت واقعی خود را شروع کنید، خیلی مهم است تا استراتژی معاملاتیتان را تست کنید و از نتایج آن مطمئن شوید.
اگر شما یک معامله گر مکانیکی[1] هستید، تست گیری و استراتژیتان کاملا ریاضی وار و در قالب نرم افزارهای معاملاتی بروکرها و یا نرم افزار اکسل قابل تست گیری است. اگر شما معامله گر اختیاری هستید که بدون استفاده از سیستمهای مکانیکی معامله می کنید، می توانید به صورت دستی در گذشته بازار رفته و استراتژی تان را تست بگیرید (تست گذشته یا Back Test) و یا اینکه بصورت زنده با بازار پیش رفته و معاملاتتان را در یک حساب دمـــــو تست بگیرید (تست رو به جلو یا Forward Test). البته این را در نظر

---

[1] سیستم معاملاتی شما توسط روباتها اداره می شوند.

داشته باشید که تست رو به جلو هرگز شبیه ساز معاملات واقعی نیستند، بلکه فقط به شما خواهند گفت که احتمال موفقیت شما در آینده با توجه به رعایت مو به مو قوانین معاملاتی چقدر است. و این احتمال را اگر با احتمال موفقیت استراتژی در گذشته بازار مقایسه کنیم، می توان درصد موفقیت تقریبا خوبی از استراتژی معاملاتیتان در آینده بدست آورد.

قالب شماره چهل و دو

قبل از آنکه من با حساب واقعی شروع به معامله کنم، این اقدامات را انجام خواهم داد . . .
یک تست گذشته و یا تست رو به جلو از استراتژی معاملاتیم خواهم گرفت تا اطمینان حاصل کنم که استراتژیم قابل معامله کردن است و من را به اهداف تجاری مد نظرم با توجه به پارامترهای مدیریت ریسک و سرمایه ام خواهد رساند یا خیر؟

وعده هایی که به خودتان می دهید چه چیزهایی هستند؟

این وعده ها طراحی شده اند تا شما را ملزم به رعایت نظم و انضباط نمایند. چه تحریم یا تنبیه هایی برای خود در نظر می گیرید، اگر به یکی از قوانین معاملاتی تان پایبند نباشید؟ یا بدتر از آن اگر شما با رعایت نکردن قوانین خود دو یا چندین بار در یک معامله شکست بخورید؟

قالب شماره چهل و سه

اگر من قوانین معاملاتیم را رعایت نکنم . . .
معاملاتم رابرای یک روز کامل متوقف کرده و بررسی می کنم که علت نقض کردن قوانینم و عدم رعایت نظم و انضباط چه بوده است؟
اگر دوبار قوانین معاملاتیم را رعایت نکنم و شکست بخورم. . .
انجام معاملات را به طور کامل متوقف می کنم و تا دلیل این عدم رعایت را متوجه نشوم اقدام به معامله نخواهم کرد. این دلیل یا ممکن است از روحیات و استرسی باشد که در وجود خودم قرار داشته و یا ممکن است طرح تجاری یا استراتژی معاملاتیم مشکل دارد که با رسیدن به این مقطع از زمان نمود پیدا کرده است و باید بازبینی و اصلاح شود.

از خودتان چه سئوالی خواهید پرسید اگر در معاملات موفق و پیروز شوید؟

بعد از آنکه در معامله ای موفق شدید و سودی کسب نمودید، قبل از آنکه معامله بعدی را شروع کنید، باید به یک سری سئوالات پاسخ دهید! آیا همه چیز درست انجام شده است؟ و معامله بخوبی برنامه ریزی و اجرا شده است؟ اگر چه این یک معامله سود ده بود، اما با کمی تغییر در قوانین خروج در سیستم معاملاتیتان، آیا می توانستید سود بیشتری کسب کنید؟ معامله بعدی شما می تواند منفجر شود، اگر به اندازه کافی آرام نباشید و آرامش و هیجان لازم را برای آن نداشته باشید. آیا احتیاج به استراحت دارید؟ آیا برای انجام معامله بعدی هیجان مناسب و آرامش لازم را دارید، یا خیلی هیجان زده هستید که بروید و از بازار سود بیشتری را بگیرید تا بتوانید به فلان سفری که برایش برنامه ریزی کردید زودتر از موعد دست یابید!!؟؟

قالب شماره چهل و چهار

من بعد از آنکه یک معلمه موفق و سود ده داشتم این کارها را انجام خواهم داد . . .

(۱) خودم را در برابر اعتماد به نفس بیش از اندازه محافظت می کنم و مطمئن می شوم که نگرش من نسبت به بازار و اهداف مالی ام ثابت است و تغییری نکرده باشد.

(۲) بررسی می کنم که ببینم توانستم همه قوانین را مو به مو انجام دهم؟

(۳) به خودم یادآوری می کنم که انجام معامله بر اساس قوانین معاملاتی بسیار مهم تر از کسب سود و نتیجه معاملات می باشد.

چه سئوالاتی از خود می پرسید زمانی که در معاملات ضرر نمایید؟

سئوالات پرسیده شده در خصوص موفق بودن معاملات که در بخش قبل گفته شد در این قسمت باید تکرار شوند. اگر واقعا شما به تریدینگ پلن خود پایبند هستید حتی مطلوب است که به معاملات زیان ده احترام بیشتری بگذارید تا معاملات موفق.

حتما می دانید که معاملات زیان ده خواهید داشت، چرا که همه معامله گران معاملات زیان ده دارند.

هیچ دلیلی وجود ندارد تا اعتماد به نفس خود را از دست بدهید در حالی که می توانید ضررهایتان را مدیریت کرده و آنها را کوچک کنید. آیا شما آماده هستید که معاملاتتان را به آرامی و بدون استرس انجام دهید؟ یا در حال حاضر به صورت ناخودآگاه بدنبال جبران زیانهایتان هستید؟

قالب شماره چهل و پنج

من بعد از آنکه معامله زیان دهی داشتم این اقدامات را انجام خواهم داد . . .
(۱) پوزیشنم را بررسی می کنم و از شکست آن درس خواهم گرفت و نکات مدنظرم را یادداشت خواهم کرد.
(۲) بررسی کرده تا مطمئن شوم که همه جوانب و قوانین تریدینگ پلنم را به درستی اجرا نموده ام
(۳) وضعیت روحی روانی خودم را بررسی می کنم تا مطمئن شوم که کاملا آرام و بدون استرس هستم و آماده ورود مجدد به بازار می باشم. عاری از احساسات و با نگرش حرفه ای.

آیا دانش معاملاتی خود را بروز نگه می دارید؟

بازارها مدام در حال تغییر و تحول هستند. اگر امروز استراتژی معاملاتی شما توانسته است مراحل سخت آزمایشات را با موفقیت پشت سر بگذارد، هیچ تضمینی وجود ندارد که در آینده ای نه چندان دور باز هم بتواند سود ده باشد. منطقی ترین راه این است که با مطالعه کتابها، مقالات، نشریات، به طور مداوم دانش معاملاتی خود را بروز رسانی کنید. نه تنها بایست بدانید که چه مطالبی را دنبال کنید، بلکه باید برای مطالعه نیز زمان گذاشته و خود را ملزم به یادگیری کنید.
یکی از بهترین زمانها برای یادگیری آخر هفته ها یا زمانهایی است که به هیچ عنوان حال و حوصله معامله کردن در بازار را ندارید.

قالب شماره چهل و شش

من به خودم قول خواهم داد که هفته ای .... ساعت را به مطالعه مطالب جدید و یا بروز کردن دانش معاملاتی ام اختصاص دهم. ..... ساعت به مطالعه موضوعات . . . .
..... ساعت به مطالعه کتابها و وب سایتهای تخصصی در این زمینه و .... ساعت به تماشای ویدئوها و ...... ساعت جهت شرکت در سمینارهای تخصصی

قوانین طلایی معاملاتی

ده قانون طلایی معاملاتی شما چیست؟

این قوانین بایستی یکتا باشند و برای شما معنی دار و مرتبط با تجارتتان. در اینجا لیستی از قوانینی آورده شده که به شما زمینه فکری خواهد داد تا بتوانید برای خود قوانین طلایی تعیین نمایید.
برخی از قوانین شما ممکن است در این لیست باشند و برخی هم خیر. بعنوان مثال یکی از قوانینی که ممکن است در خیلی از لیستها آن را مشاهده کنید و در اینجا نیامده، این است:
معامله در جهت روند، اگر روندی نبود، معامله ای هم در کار نیست.
این یک قانون بسیار عالی است. مگر اینکه استراتژی معاملاتی شما بر اساس روند نباشد.

قانون شماره یک: محافظت و حفظ سرمایه

معامله گران بی تجربه وارد بازار می شوند و تمامی تمرکز خود را بر این می گذارند که چه مقدار پول می توانند از این بازار کسب نمایند. معامله گران حرفه ای دقیقا عکس این عمل می کنند؛ آنها تمرکز خود را بر این اصل قرار می دهند که چه قدر توانسته اند جلوی افت سرمایه را بگیرند و چگونه می توانند افت سرمایه خود را به حداقل ممکن برسانند. شما بایست دقیقا مانند حرفه ای ها عمل کنید، از سرمایه خود محافظت کنید.

قانو شماره دو: همیشه برای پوزیشن های خود حد زیان قرار دهید، همیشه!

یکی از راه های دست یابی به هدف قانون شماره یک این است که همیشه برای پوزیشن های خود حد زیان تعریف کنید. اگر برای شما مقدر است بهتر است که این کار را قبل از باز کردن پوزیشن خود انجام دهید. هرگز تحت هیچ شرایطی برای پوزیشنهای خود حد زیان ذهنی قرار ندهید. این تنها راه حفظ بقاء معامله گر در بازار است. حد زیان ها در قلب تمامی استراتژیهای مدیریت ریسک جای گرفته اند. و به طور قطع این امر بسیار حیاتی است که مطمئن شوید که حد زیانهای خود را به طور معقولانه کوچک کرده اید. بنابراین هیچ دلیلی در خصوص قرار ندادن حد زیان وجود ندارد و همیشه بایست برای پوزیشنهای خود حد زیان قرار دهید.

قانون شماره سه: جلوی ضررهایتان را بگیرید و به سودهایتان اجازه پیشرفت دهید!

جلوگیری از پیشرفت ضرر تنها با تعیین حد زیان برای پوزیشن قابل دستیابی است. علاوه بر این شما بایست به طور مرتب این سئوال را از خود بپرسید: آیا من تابحال وارد این پوزیشن شده ام؟ آیا من در حال حاضر می خواهم وارد این پوزیشن شوم؟ اگر پاسخ شما به این سئوال خیر است، بلافاصله از پوزیشن خارج شوید. شما مجبور نیستید که صبر کنید تا قیمت برگشت کند تا استاپ شما بخورد و سپس از پوزیشن خارج شوید! یک مدیریت سرمایه عالی شامل قوانینی است که به سودها اجازه رشد داده و جلوی ضررها را بلافاصله بگیرید.

قانون شماره چهار: بر اساس آنچه مشاهده می کنید معامله کنید نه بر اساس آنچه احساس می کنید؟

غرور و تجارت هرگز با یکدیگر ترکیب نمی شوند. صدایی در سر خود به شما می گوید که حرکت بعدی بازار در آینده چیست؟ مادامی که شما به این صدا گوش دهید و به آن عمل کنید، دیگر نمی توانید به آنچه در بازار در حال رخ دادن است توجه کنید. بجای این کار به چارت توجه کنید، اگر از اندیکاتورها استفاده می کنید به علائم آنها توجه کنید و هر چه را می گویند بدون چون و چرا اجرا کنید، اگر فقط و فقط از پرایس اکشن استفاده می کنید، هر آنچه الگوها و کندل استیک ها می گویند به آن توجه کنید و نه به چیز دیگری. فقط و فقط به این داده ها توجه کنید، آنچه را که می بینید معامله کنید نه آنچه را که احساس می کنید.

قانون شماره پنج: هرگز زیانهای خود را دنبال نکنید، هیچوقت!

پس از آنکه در یک معامله زیان کردید، ضروری هستش که احساسات خود را کنترل کنید. این کار میتواند بسیار سخت باشد، مخصوصا اگر با یک اشتباه کاملا احمقانه ضرر کنید. در این هنگام اگر بخواهید مجددا وارد بازار شوید، شاید یک حس انتقام جویانه و یا با یک حس جبران زیان بخواهید معامله ای انجام دهید. که این کار احتمال موفقیت شما را بسیار پایین خواهد آورد. بنابراین هرگز به دنبال جبران زیان های خود نروید، هیچوقت.

قانون شماره شش: استراتژی معاملاتی خود را حداقل با ۲۰۰ معامله تست کنید

هر چه تعداد معاملات بیشتری را در سنجش گذشته خود داشته باشید، احتمال اینکه استراتژی معاملاتی شما در آینده موفق شود بیشتر خواهد شد. هر چه تعداد معاملاتی که در تست گذشته شماست بیشتر باشد، مارجین خطا کوچکتر می شود، و احتمال کسب سود در آینده برای شما بیشتر خواهد بود.

قانون شماره هفت: سوابق معاملاتی خود را به صورت عالی نگهداری کنید!

بطور استراتژیک، ضروری است که نسبت به نگهداری سوابق معاملاتی خود اقدام کنید. نه فقط بخاطر سود یا زیان، به این دلیل که، در آینده بدانید چرا و چگونه و چه زمانی یک پوزیشن را باز کردید؟ بعلاوه، بیشتر معامله گران حرفه ای، در کنار سوابق معاملاتی خود، یک ژورنال معاملاتی هم دارند تا احساسات خود را در خصوص هر معامله به صورت سابقه نگهداری کنند. ثبت سوابق همانند یک جی پی اس عمل می کند، مسیر حرکت شما را در بازار نشان دهد، تا مطمئن شوید در طول معاملات کاملا به مسیر تریدینگ پلن چسبیده اید و از مسیر دور نشده اید.

قانون شماره هشت: حفظ نظم و انضباط

نگهداری سوابق معاملاتی، همچنین به شما این قابلیت را می دهد تا در یک نگاه مختصر ببینید چطور در تریدهایتان منظم بوده اید. عدم موفقیت، قریب به یقین نشان از نظم شخصی شماست، و نتیجه آن در معاملات شما انعکاس خواهد داشت. اگر شما پیوسته در این باره شکست بخورید، دو راه جلوی پای شما قرار خواهد داشت: ۱-فکر کردن به تعویض استراتژی معاملاتیتان به سیستم مکانیکی. همانطور که می دانید کامپیوترها به صورت کاملا قابل تحسین سابقه معاملاتیتان را نگهداری می کنند. ۲- از شغل معامله گری انصراف دهید. که این اصلا مناسب شما نخواهد بود.

قانون شم ره نه: ساده نگهداری کنید

بسیاری از معامله گران حرفه ای از استراتژی های بسیار ساده با حداقل شاخصها و اندیکاتورها بهره می برند. و بیشتر تمرکز خود را بر روی نظم و انضباط در معاملات با توجه به پلن معاملاتیشان قرار می دهند. و تا جایی که امکان دارد مسائل را برای خود ساده نگهداری و بکار می برند.

قانون شماره ده: برنامه ریزی برای معاملات – معامله کردن با برنامه!

معامله کردن هرگز یک قمار نیست؛ بلکه یک کسب و کار است. با این حال اگر بدون یک طرح معاملاتی که کاملا به آن مسلط هستید، و کاملا تست شده باشد سعی کنید وارد بازار شوید، در واقع دارید در یک بازی پرتاب دارت شرکت می کنید.

قالب آماده یک تریدینگ پلن

یک قالب آماده ویرایش برای شما فراهم کردیم که تمامی سئوالات مطرح شده در این کتاب را مجددا برای شما فهرست کرده است. شما بایست به این سئوالات پاسخ دهید.

برای اینکه این تریدینگ پلن برای شما کاربردی باشه، بهتر است موارد ذیل را رعایت فرمایید:

۱. سئوالات را یک به یک مطالعه کرده و با دقت و حوصله زیاد راجع به پاسخ آنها تفکر کنید، سپس پاسخ آن را یادداشت کنید. حتی اگر پاسخ دادن به هر سئوال چندین روز وقت شما را بگیرید.
۲. سعی نکنید از پاسخهای آماده که در این کتاب آورده شده استفاده کنید.
۳. سئوالات مربوط به بخش استراتژی معاملاتی، یک سری سئوالات عملی هستند. شما بایست ابتدا استراتژی معاملاتی خود را بیابید، آن را تست و بررسی کنید، نتایج آن را یادداشت کنید و سپس به سئوالات این بخش پاسخ دهید.
۴. پس از آنکه به تمامی سئوالات پاسخ دادید. این قالب را پرینت گرفته و به صورت یک دفتر زیبا جلد و شیرازه نمایید. و آن را بر روی میز معاملاتی خود در جایی که همیشه جلوی چشم شما باشد قرار دهید. و هر چند وقت یکبار به آن یک سری بزنید و از ابتدا تا به انتها یکبار مطالعه نمایید.

تریدینگ پلن معاملاتی من

۱. خودتان را بشناسید و اهداف خود را معین نمایید

I) هدف شما از معامله گری چیست؟ و چرا میخواهید یک معامله گر شوید؟

II) چه نوع معامله گری میخواهید بشوید؟

III) نقاط قوت و ضعف شما چیست؟

IV) آیا از نیمکره راست ذهن خود استفاده می کنید یا نیمکره چپ؟

V) اهداف درآمدی شما چیست؟

----

۲. اهداف معاملاتی

I) اهداف تجاری سالانه شما چیست؟

II) اهداف تجاری ماهانه شما چیست؟

III) اهداف تجاری هفتگی شما چیست؟

IV) اهداف تجاری روزانه شما چیست؟

----

۳. بازارها، وسیله های معاملاتی، تایم فریم ها

I) در کدام بازارها میخواهید معامله کنید؟

II) وسیله های معاملاتی شما چیست؟

III) تایم فریم معاملاتی شما چیست؟

----

۴. ابزارهای معامله گری

I) از کدام بروکر و پلت فرم معاملاتی استفاده خواهید کرد؟

II) آیا کارگزار شما وسیله های معاملاتی شما را فراهم می کند؟

III) آیا کارگزار شما داده های معتبری را برای شما فراهم می کند؟

----

۵. کارهایی که باید قبل از باز شدن بازار انجام دهید

I) کارهای روتین شده ای که باید از روز قبل برای معاملات امروز انجام دهید چیست؟

II) آیا معاملات روز قبل را آنالیز کرده اید؟

III) آیا پوزیشنی باز از روز قبل دارید؟

IV) شرایط عمومی بازار چیست؟

V) چه وظایفی باید امروز انجام دهید؟ ساعت به ساعت

VI) کدام وسیله های معاملاتی در فهرست نظارت قرار دارند؟

----

۶. ریسک و مدیریت سرمایه

I) نگرش شما نسبت به ریسک چیست؟

II) حداکثر ریسک سرمایه ای که در بازار دخیل خواهید کرد چه میزان است؟

III) ریسک های سخت افزاری و کارگزاری را بررسی کرده اید؟ چه راهکاری برای آنها دارید؟

IV) ریسک استراتژی شما چیست؟ چه راهکاری برای آن دارید؟

V) احتمال موفقیت ستاپ های معاملاتی شما چقدر است؟

VI) نسبت ریسک به موفقیت ستاپ های شما چقدر است؟

VII) درصد ریسک هر معامله شما چقدر است؟

VIII) مکان حد ضررهای شما در پوزیشنهایتان کجاست؟

IX) چه زمانی پوزیشن باز خود را متوقف خواهید کرد؟

X) عکس العمل شما هنگام سود و زیانهای بزرگ چیست؟

XI) کدام ابزار مدیریت سرمایه را بکار می گیرید؟

XII) آیا از جابجایی استاپ استفاده می کنید؟ چگونه؟

XIII) اندازه پوزیشن خود را چگونه تعیین می کنید؟

----

۷. استراتژی خروج

I) چه شرایطی باید فراهم باشد تا شما قبل از خوردن استاپ از پوزیشن خارج شوید؟

II) در صورت مشاهده چه سیگنالهایی باید از پوزیشن به طور کامل خارج شوید؟

III) در صورت مشاهده کدام سیگنال باید نصف پوزیشن را خارج شوید؟

IV) در صورت برقراری چه شرطی باید باقیمانده حجم پوزیشن خود را نیز ببندید؟

----

۸. استراتژی های معاملاتی، ستاپ ها، نقاط ورود

I) استراتژی معاملاتی شما چیست؟ شرحی مختصر در اینجا بیاورید. (زیرا شما یک دفتر مجزا بایست برای استراتژی معاملاتی طراحی کرده باشید)

II) ستاپ های شما چه هستند؟

III) ستاپهای پوزیشن خود را چگونه پیدا می کنید؟

IV) چه شرایطی باید فراهم باشد تا وارد پوزیشن شوید؟

----

۹. بعد از آنکه بازار بسته شد

I) آیا به صورت روزانه معاملات خود را یادداشت کردید؟ چگونه؟

II) آیا معاملات خود را براساس قوانین تریدینگ پلن انجام دادید؟ شرح دهید.

III) آیا ژورنال معاملاتی خود را تکمیل کردید؟ شرح دهید.

----

۱۰. انضبـــــــاط

I) آیا از استراتژی معاملاتی خود تست رو به جلو و تست گذشته گرفته اید؟ شرح کاملی بدهید.

II) وعده هایی که به خوددتان می دهید را شرح دهید.

III) از خودتان چه سئوالی خواهید پرسید اگر در معاملات موفق و پیروز شوید؟

IV) زمانی که در معاملات ضرر کنید چه سئوالی از خودتان خواهید پرسید؟

----

۷) آیا دانش معاملاتی خود را بروز نگه می دارید؟ چگونه؟

۱۱. قوانین طلایی معاملاتی شما چه هستند؟ ده قانون طلایی خود را یادداشت نمایید.

I) قانون شماره یک

II) قانون شماره دو

III) قانون شماره سه

IV) قانون شماره چهار

V) قانون شماره پنج

VI) قانون شماره شش

VII)قانون شماره هفت

VIII) قانون شماره هشت

IX) قانون شماره نه

X) قانون شماره ده